

- «سالت - ۲» پیمانی برای مسابقه تسلیحاتی
- سوء قصد بجان حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی را شدیداً محکوم می کنیم
- مصاحبه مطبوعاتی حضرت آیت الله شبیر خاقانی
- افغانستان: پیروز باد جنگ خلق
- آخرین نفسهای ضد انقلاب در مسجد سلیمان
- قراردادهای اسارت بار با آمریکا و روسیه را لغو کنید
- تراکتورسازی تبریز: تجربه موفق شورای مشترک

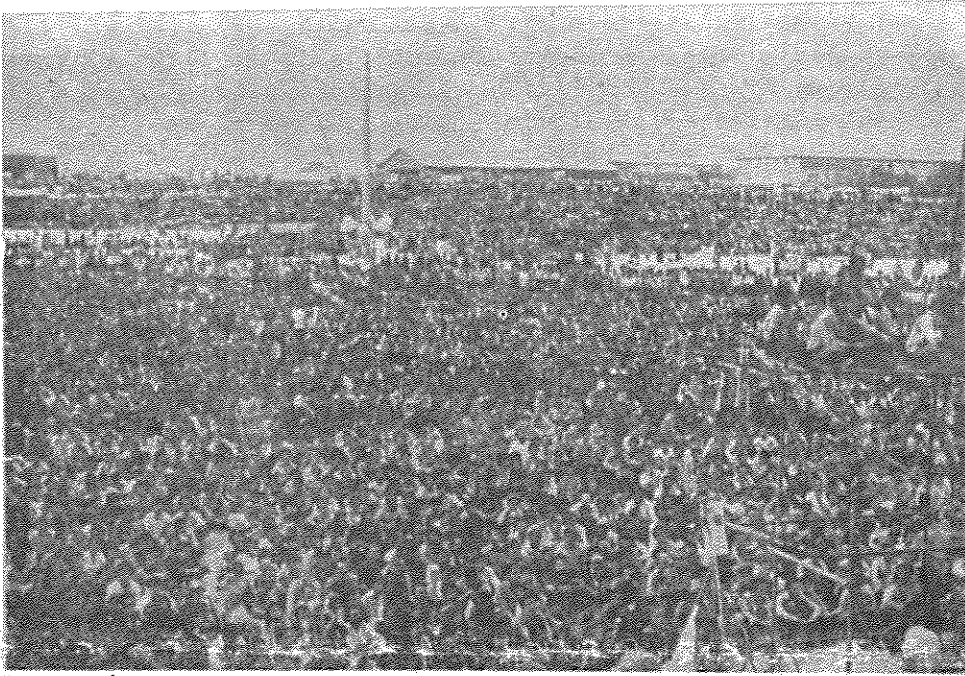
سال اول
خرداد ۱۳۵۸
هفته دوم



ارگان مرکزی سازمان انقلابی

شماره ۱۰ ریال

دست امپریالیسم جنایتگر و غارتگر آمریکا از ایران کوتاه



روزهای شنبه سوم و جمعه چهارم خردادماه، ایران شاهد تظاهرات چند میلیونی ضد امپریالیستی مردم میهنمان بود. از نخستین ساعات روز ۵ شنبه تا جمعه شب، توده های وسیع مردم، احزاب، سازمانها و گروه های مختلف سیاسی با شعارهای اجتماعات بزرگ، سخنرانی ها و قطعنامه ها که به تصویر رساندند، دخالت های امپریالیسم آمریکا در امور داخلی ایران را بشدت محکوم کردند و لغو بیما نهایی اسارت بر میان ایستادند و امپریالیست های گوناگون را خواستار شدند.

مردم نشان دادند که بدرستی دشمن اصلی خود را تشخیص داده اند. تا ریخ کشور ما در طی ۱۵ سال گذشته و بخصوص ۵ سال حکومت

کمونیستها و جمهوری اسلامی

در این اوضاع که ناشی از دخالت های ابر قدرت ها و عمال آنها پیشروی انقلاب به جلو، دچار مشکلاتی شده است ما ایمان راسخ داریم که توده های مردم، مطمئناً با همت انقلابی خود زیر پرچم جمهوری اسلامی به رهبری امام خمینی مشکلات را یک بیک از میان ببر خواهند داشت و توطئه های امپریالیسم آمریکا و شوروی را درهم خواهند شکست و راه انقلاب را به جلو بازتر خواهند ساخت. آینده ای ما تا بنساک درخشان است در حالیکه راه سخت طولانی و پر پیچ و خمی را با ید طی کنیم.

ما کمونیست ها که با صمیمیت از جنبش ضد استبداد و ضد امپریالیستی اسلامی به رهبری امام خمینی و از انقلاب پیروز مند اسلامی ایران و جمهوری اسلامی پشتیبانی کرده و میکنیم، ما کمونیست ها که گذشته مان حکایت از راه گلگون شده با خون شهیدان بی شمارمان دارد و کاروانمان در آغاز

کاروانسارای چون حیدر عموا و غلو داشته و از پیشروی نااستاده است، جزئی لاینفک از این جنبش ضد امپریالیستی و ضد استبداد استیم و هیچ معیاری نمی توانیم جدا سازد و ما را کنار گذاشت. در عین حال ما می پذیریم که در اقلیت هستیم (آنهم اقلیتی کوچک) و هنوز اکثریت عظیم مردم از اصول و سیاست های ما خبری ندارند و علل آنهم برایمان روشن است: - اولین علت اینست که ما رکسیسم تا کنون نتوانسته ایم ایرانی شده، با شرایط اجتماعی و فرهنگی ایران تلفیق داده شود. دگما تیسم، الگوسازی و سکتاریسم مرامی مزمنی بوده اند که جنبش ما از اول بدین مبتلا شده و آنرا همیشه تحریف و ضعیف نگاه داشته و تا به امروز این بیماریها را مداوم دارو این خود باعث عدم پیوند کمونیست ها با توده های وسیع گشته است. - دومین علت اینست که شوروی بقیه در صفحه سوم

قراردادهای اسارت بار با امریکا و روسیه را لغو کنید

پس از سرنگونی رژیم وابسته و فاشیستی شاه خائن، مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای ما به جنبش عظیمی تبدیل شده که نمونه‌ای از آنرا در تظاهرات میلیونی مردم سراسر کشور در پنجشنبه و جمعه مشاهده کردیم.

هم‌اکنون مبارزه برای لغو قراردادهای اسارت‌آمیرالیستی بمطابق می‌درد راه تا میسر شدن استقلال کامل کشور را میسرالیستی در دستور روز قرار گرفته است.

در میان این قراردادهای اسارت‌آمیرالیستی و لغو و قرارداد نظامی ایران و آمریکا و قرارداد ۱۹۲۱ با شوروی، دارای اهمیت بیشتری است. بقیه در صفحه دوم

«سالت - ۲» پیمانی برای مسابقه تسلیحاتی

هفت سال است که دوا بزر قدرت آمریکا و شوروی، در حال مذاکره برای با اصطلاح "محدود کردن سلاحهای استراتژیک" اتمی (سالت ۲) میباشند و در واقع با امضا داد ماه سال قرارداد آنرا امضا خواهند کرد. مردم جهان بحق از خود میپرسند آیا واقعا بنده و امپریالیسم جهانخواهد دست از جنگ افروزی و رقابت برای کسب سرکردگی در جهان برداشته‌اند؟ آیا از میزان تولید سلاحهای هسته‌ای توسط این دو ابرقدرت کاسته خواهد شد؟ وظیفه خلقهای جهان در مقابل این قراردادها چیست؟ آیا باید بنشینند و برای ایندو هورا بکشند؟ باید خیا لسان راحت باشد و سلاحهای خود را زمین بگذارند؟

برای یافتن جواب به این سئوالات بدنیست ابتدا نگاهی به جدولی که نمودار خلاصه‌ای از قرارداد مذکور بوده و در مجله تایم (آمریکائی) منتشر شده است بیندازیم. بقیه در صفحه دوم

مصاحبه مطبوعاتی حضرت آیت‌الله شبیر خاقانی: تمام اقشار وحدت کلمه و یگانگی و برادری خود را حفظ کنند



روزی که سه ۳۱ ر دیبهبست، حضرت آیت‌الله شیخ محمد طاهر آل شبیر خاقانی، به همراه هیات نمایندگی خلق عرب به قم عزیمت کرده و با امام خمینی ملاقات نمودند.

حضرت آیت‌الله شبیر خاقانی که همواره مدافع حقوق خلقهای تحت ستم بوده هستند، بمنظور مذاکره در باب خواستهای بحق خلق عرب خوزستان با امام خمینی، به قم آمده بودند.

چهارشنبه بعد از ظهر، ملاقاتی میان امام خمینی و حضرت آیت‌الله شبیر خاقانی صورت گرفت که مطالب مطرح شده بوسیله حضرت آیت‌الله خاقانی موردتأمل و بیاد امام قرار گرفت و طرفین به تفاهم کامل رسیدند.

در ساعت ۷ بعد از ظهر روز شنبه ۵ خرداد یک مصاحبه مطبوعاتی در محل اقامت حضرت آیت‌الله شبیر خاقانی در قم برگزار گردید که خبرنگار "تجرب" نیز در این مصاحبه شرکت داشت که در زیر بخش‌هایی از آنرا نقل می‌کنیم.

ابتدا فرزند آیت‌الله خاقانی اظهار داشتند: اولاد قبیل از هر چیز از قدم سوم بقیه در صفحه سوم

زنده باد وحدت ضد امپریالیستی خلقها نابود باد ستم ملی

بهره برداری نمایند، اما مطرح مسئله ملی و پافشاری روی آن از طرف خلقهای تحت ستم، امری محقانه است که باید مورد توجه قرار گیرد و لازم است که خواستهای عادلانه خلقهای تحت ستم در اسرع وقت برآورده شود.

بیان اینکه در ایران ستم ملی وجود دارد، یک ادعای من درآوردی نیست، ستم ملی واقعیت دلخراشی است که بویژه طی پنجاه سال حکومت ستمگریه‌لوی در ایران اعمال میشده است. در این پنجاه سال امپریالیستها و سردمداران رژیم شاهنشاهی، وجود خلقهای ایران و بقیه در صفحه دوم

تلاش بیشرمانه دارودسته کیانوری

در روز پنجشنبه ۳ خرداد دارودسته "کمیته مرکزی حزب توده"، تلاشی مذبحانه کرد تا بمردم اینطور وانمود کنند که راه - پیمائی مشترکی را با حزب جمهوری اسلامی برگزار کرده است. و حتی بیشرمانه در نشریه‌اش (مردم - ۵ خرداد) نوشت که "از عصر پنجشنبه که بدعت حزب جمهوری اسلامی و حزب توده ایران (۱) سیل خروشان از نقطه تهران بحرکت درآمد... اما واقعیت آنستکه دارودسته کیانوری در اینروز در مقابل دانشگاه جمع شده و پس از آنکه صف راه پیمایان حزب جمهوری اسلامی بحرکت درآمد بود، به دنبال آنها راه افتادند و در مقابل سفارت آمریکا هم میخواستند قطعنامه‌ای را بخوانند بقیه در صفحه پنجم

سوء قصد بجان حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی را شدیداً محکوم می‌کنیم

در جمعه شب چهارم خرداد ماه، دستهای پلید ضد انقلاب وابسته به بیگانگی نسبت به جان حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی سوء قصد کرده خوشختانه این توطئه با شکست روبرو گردید.

این سوء قصد هنگامی صورت می‌گیرد که بنا به ابتکار رهبران امام خمینی موج‌نویینی از مبارزات خدا میسرالیستی سراسر میهن ما را فرا گرفته و عملاجواب رده‌انها می‌دهد که زیر پوشش مبارزه علیه فاشیسم، مبارزه علیه جمهوری اسلامی را علم کرده‌اند.

این سوء قصد در فردای همان روزی صورت می‌گیرد که حجت‌الاسلام رفسنجانی در اجتماع عظیم میدان ۱۷ شهریور، ضمن محکوم کردن امپریالیسم آمریکا و مدخلات آن در ایران، به دفاع پرشور از جریان بزرگ استقلال طلبانهای که با شعارهای "نه شرقی نه غربی، جمهوری اسلامی" و "امروز ایران، فردا فلسطین، اریتره، فیلیپین، افغانستان" بمیدان آمده بود، میبرد از.

عالمین مستقیم سوء قصد هر که باشد و دستگامهای تبلیغاتی آنها هر چه بگویند و بنویسند آنچه بروشنی میتوان گفت اینست که اینگونه اعمال پلید در خدمت دوا بر قدرت بوده و بویژه در مقطع کنونی این امپریالیسم شوروی است که بهترین بهره‌بردار می‌کند. چرا؟

- (۱) نقشه‌ی سیاه تپی کردن رهبری انقلاب اسلامی از مبارزین فعال و سرسخت ضد امپریالیست.
- (۲) دامن زدن به آشوب، بلوا، ایجاد مستمسک برای حرکت‌های مخرب و چند دستگی، تا وحدت بزرگ ضد امپریالیستی خلق را از هم بپاشند.

بقیه در صفحه چهارم

«سالت - ۲» ...

قراردادهای

پس از کودتای امیرالیستی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، رژیم شاه برای تحکیم حکومت ننگین خود، یک قرارداد نظامی دو جانبه با آمریکا منعقد کرد. این قرارداد عملاً ایران را به مستعمره آمریکا تبدیل نمود. طبق مواد این قرارداد، آمریکا طی آنجا زه یافتند که در ایران یا یگه بسازند، افراد نظامی آمریکا در ایران مستقر شدند، دهها هزار مستشار آمریکایی هدایت و کنترل ارتش را در دست گرفتند و عمده درآمد ملی ما صرف ایجاد رادخانه‌های از سلاحهای بی مصرف آمریکا گردید. بعلاوه طبق این قرارداد امیرالیستیهای آمریکا بطور ضمنی اجازه یافتند که در موارد حساس، خاک ایران را در اشغال خود درآوردند.

در سال ۱۳۹۹ (فوریه ۱۹۲۱) در زمان جنگهای داخلی پس از پیروزی انقلاب شوروی و هنگامیکه "روسهای سفید" (ضدانقلابیون) از خاک ایران دولت جوان اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را مورد حمله نظامی قرار میدادند، قرارداد بین ایران و شوروی منعقد شد که بر طبق ماده ۶ آن، بشوروی اجازه یافت در صورت استفاده نیروهای نظامی ضد انقلابی روس سفید از خاک ایران برای حمله به شوروی بتواند موقتاً برای سرکوب ضد انقلابیون روسی وارد ایران شود. این قرارداد دخالت گاملاموقتی داشته و مربوط به شرایط آن زمان بود. اما امروزه پس از گذشت نزدیک به ۶۰ سال این قرارداد هنوز لغو نشده و اکنون سوسیال - امیرالیستیهای شوروی با اشاره به چنین ماده‌ای به خود "قانوناً" اجازه میدهند که امنیت و استقلال میهن ما را لگدکوب کنند و هر زمان که خواستند بهانه وجود خطر از جانب ایران، این "حق را به خودشان بدهند که میهن ما را بیایا نیروهای نظامی خود اشغال کنند. این نوع قراردادها را اسارتبار و نه تنها بطور اصولی استقلال و حاکمیت ملی ما را پایمال میکنند، بلکه وجود چنین قراردادها را میسر بویژه در اوضاع کنونی جهان خطرناک است. چه دوا بر قدرت امیرالیست. آمیکاه شه...

سهم بیشتری از غارت ثروت‌های جهانی مشغولند و وجود چنین قراردادهای، مستمسک مناسبی است تا بوسیله آن بخاک میهن ما تجاوز کرده و ایران ما را بصحنه جنگ بین خود تبدیل کنند. مگر نه اینست که...

امیرالیستیهای آمریکایی با استناد به چنین قراردادهایی در ویتنام لشکر پیاده کرده و برای سالیان در از خلق قهرمان ویتنام را در زیر چکمه‌های خونین خود لگدکوب کردند؟ مگر نه اینست که سوسیال - امیرالیستیهای شوروی با استناد به قرارداد نظامی پیمان ورشو در سال ۱۳۴۷ به چکسلواکی تجاوز نظامی کرده و مبارزه خلقهای چکسلواکی را سرکوب نمودند؟

یقیناً قراردادهای اسارتبار دوا بر قدرت با ایران نیز نهایتاً هدفی جز این ندارند، یعنی تجاوز به استقلال ملی، حق حاکمیت و تمامیت ارضی میهن ما. مردم میهن ما ورهبری انقلاب با رهبران آزاده اند که تمام قراردادهای اسارتبار را بیدلغوشوند و لغو و دو قرارداد دوا بر قدرت در درجه اول اهمیت قرار دارد.

مدافعین امیرالیسم روسیه در ایران، بویژه دارودسته کمیته مرکزی حزب توده در حالیکه دماژ ضد امیرالیست بودن میزنند و خواستار لغو قرارداد نظامی ایران و آمریکا می‌گردند اما وقتی پای قرارداد ۱۹۲۱ بویژه ماده ۶ آن بمیان می‌آید مجشان باز میشود، ماهیت وابسته خود را نشان میدهند. مخالفت آنان با قرارداد ایران و آمریکا از موضع زدن رقیب ارباب خود است نه اینکه دلشان برای منافع ملی مردم ما بسوزد. آنها بیشتر مانع حتی پارافراتر گذاشته و در زمانیکه میلیونها نفر خواستار لغو کلیه قراردادهای اسارتبار با امیرالیستیها هستند، پیشنهاد قرارداد دوستی با امیرالیستیهای روسی را میدهند. اما آنها نه انقلاب مردم ما را فهمیده اند و نه احساسات عمیق میهن پرستی خلقهای ما را، انتظار می‌رود که از اینگونه دلالان وابسته به بیگانه نمیرود.

سلاحهای استراتژیک اتمی	سلاحهای استراتژیک اتمی فعلی شوروی	سلاحهای استراتژیک اتمی فعلی آمریکا	حدی که سالت ۱۲ جا زه میدهد (حداکثر)
تمام سیستمهای حامل سلاحهای هسته‌ای	۲۵۷۰	۲۰۶۰	۲۲۵۰
انواع موشکهای اتمی یکهدارای کلاهکهای چندگانه مستقل اند.	۷۹۵	۱۰۴۶	۱۳۲۰
موشکهای اتمی زیر دریایی دارای کلاهکهای چندگانه مستقل و موشکهای قاره پیمای زمینی دارای کلاهکهای چندگانه مستقل.	۷۲۵	۱۰۴۶	۱۲۰۰
موشکهای قاره پیمای زمینی دارای کلاهکهای چندگانه مستقل.	۶۰۰	۵۵۰	۸۲۰
موشکهای قاره پیمای زمینی جدید سنگین کلاهکهای چندگانه مستقل (مانند ۱۸- شوروی)	۳۰۸	(ندارد)	ثبیت شده در سطح کنونی

آنها با تبلیغات گوش خراش خود سعی دارند مردم بقبولانند که بستن این قرارداد تضمین کننده صلح جهانی است و بدینوسیله آنها را از نظر فکری خلع سلاح کنند. ولی در واقع این مهملات، تنها عده‌ای قلیلی را خواب می‌کنند و بس. اما خلقهای جهان برعکس، هر روز بیدار تر و هشیار تر میشوند. چرا که شاهد دست اندازیهایی این دوا بر قدرت به کشورهای مختلف اند. امروز نمیتوان در هیچ گوشه‌ای از دنیا، در هیچ جنگی، لا اقل دست یکی از این دوا بر قدرت خونخوا را ندید. اگر ردیای آمریکا در ویتنام، کامبوج، فلسطین، ایران، زیمبابوه (رودزیا)، نامیبیا و... دیده میشود و میشود، دستهای ابر قدرت روس نیز در جنگهای آنگولا، کامبوج، فلسطین، اریتره، افغانستان و... قابل رویت است. و اینها هم چیزی نیستند جز گامهای تدارک‌گزی اولیه برای برپا داشتن جنگ جهانی جدیدی بخاطر کسب سرکردگی بر جهان. اما نکته دیگری که این قرارداد را برجسته میکند، توسعه دیوانه‌وار تسلیحاتی و نظامی امیرالیسم روسیه است. از شروع مساله کنترل سلاحهای اتمی استراتژیک بین شوروی و آمریکا (سالهای ۶۰) تا بحال شوروی نه تنها عقب ماندگی اش را جبران کرده بلکه در بسیاری از موارد جلو هم افتاده است. با توجه به اینکه

شوروی در ۱۹۷۴ از داشتن موشکهای اتمی یکهدارای کلاهکهای چندگانه مستقل با شد محروم بود، امروز در این زمینه از آمریکا پیشی هم گرفته است. در اینجا این سؤال مطرح میشود که آیا سرنوشت مردم جهان را ابد دوا بر قدرت و تسلیحات اتمی و غیر اتمی آنها تعیین می‌کند؟ آیا مردم باید از این همه سلاحهای مرگبار ترسی بدل راه دهند یا به یاوه‌سراشی‌های آنان در مورد "قطع مسابقه تسلیحاتی"، "کاهش مخارج نظامی" دل خوش کنید؟ جواب هر دو سؤال منفی است. زیرا انسانها هستند که سرنوشت جهان را تعیین میکنند. سلاح، رژیم شاه هم سلاحی داشت ولی خلقهای قهرمان ایران با دست خالی پیروز شدند، چون بی‌خاستند، متحد شدند، از قربانی و مرگ نهرای سیدند و موج بموج پیش رفتند، آمریکا انواع سلاحهای خود را در ویتنام و کامبوج بکار گرفت ولی خلقهای ویتنام و کامبوج پیروز شدند. همانطور که تمام بمبارانهای روسیه و نوکرانشان قطعی است. خلقهای جهان در مقابل تهدیدات اتمی دوا بر قدرت و خطر جنگ جهانی جدیدی این برخورد را دارند: اولاً آنها خواهان صلح اند، ولی از جنگ و دوا بر قدرت هم نمی‌ترسند، ثانیاً اگر دوا بر قدرت جنگ جهانی جدیدی را بر خلقها

آنچه در وهله اول چشم میخورد، حد بسیار بالایی است که دوا بر قدرت برای سلاحهای استراتژیک اتمی شان تعیین کرده اند و این نشان میدهد که دوا بر قدرت آمریکا و شوروی در واقع بر سر تنظیم آهنگ رشد این سلاحها با هم به توافق رسیده‌اند، یعنی نه تنها سلاحهای استراتژیک اتمی خود را از زمین نمیرند بلکه این قرارداد با اصطلاح "محدود کردن سلاحهای استراتژیک" حتی آنها را ثابت هم نگه نمیدارد، بلکه فقط وقفه قرار دادی برای چگونگی توسعه تسلیحاتی است. اما آنها با وقاحت هر چه تمامتر دم از "صلح طلبی" و "حرکت بسوی خلع سلاح" میزنند. دوا بر قدرت آمریکا و شوروی از عقدا این پیمان دونوع هدف را دنبال میکنند: اهداف مشترک و اهداف مشخص از جمله اهداف مشترک ایندو، کنترل علنی رقیب است، چه علیرغم دستگاہ‌های مختلف جاسوسی که ایندو ابر قدرت بطور مخفی برای کنترل هم استفاده میکنند، این پیمان به آنها امکان میدهد که با دستگاہ‌های جاسوسی مجهز خود هم دیگر را بطور علنی نیز کنترل کنند. اخیراً ما شاهد "مشکلاتی" که برای آمریکا در اثر انقلاب ایران بوجود آمد و دستگاہ استراق سمع وی از مرز ایران با شوروی برچیده شد، بودیم. آمریکا در این رابطه علناً از ترکیه درخواست کرد که

خطرناکست. چه دوا بر قنبر قدرت امپریالیستی آمریکا و شوروی، به رقابت وحشیانه‌ای برای کسب

دست امپریالیسم...

خود فروخته پهلوی به روشنی نشان میدهد که بزرگترین لطمات و جراحاتی که بر پیکر مردم و میهن ما وارد آمده ناشی از مذاخلات استعمارگران و امپریالیسم بوده است. امپریالیستهای رنگارنگ در طی یک قرن اخیر با نفوذ و ایجاد وابستگی در کلیه زمینه‌ها (اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی...) کشور ما را به نیمه‌مستعمره‌ای تبدیل کردند. تزاریسم روسیه، امپریالیسم انگلستان، آلمان هیتلری و بالاخره امپریالیسم آمریکا و تزارهای نوین روسی بر سر تما حب این "لقمه‌ی چرب" جنگ و دعوا داشته‌اند و بیهوده رقابت دست زده‌اند.

بهمین دلیل خلقهای میهن ما همواره در مسیر انقلابی خویشش بمنظور کسب و تحقق آرمانهای خود سدا امپریالیسم را می‌دیدند.

در مرحله کنونی نیز با اینکه انقلاب اسلامی به پیروزی رسیده است و جمهوری اسلامی ایجاد گردیده ولی علی‌رغم کلیه تغییرات بزرگ ناشی از انقلاب، مسئله اساسی جامعه ما که همانا قطع کامل نفوذ امپریالیسم و کسب استقلال کامل ملی در کلیه زمینه‌ها میباید شد، در دستور کار انقلابیون و میهن پرستان قرار دارد. اگر استقلال نیا شده‌ای حرفها مفت است، برای حل مسائل اساسی جامعه و ایجاد ایرانی آباد و آزاد ابتدا باید ایرانی مستقل بنا نهاد. انقلابی واقعی در میهن ما کسی است که در درجه اول استقلال خواهی استوار باشد. ضد امپریالیستی وجود ندارد که کسب استقلال میهن را وظیفه‌ی روز خود نداند. میهن پرست واقعی یافت نمیشود که بنیاد نهادن ایرانی مستقل اولیین آرزویش نباشد. در یک کلام در مرحله کنونی، مبارزه با خطر استقلال همه جانبه‌ی کشور مضمون عمده‌ی مبارزه ضد امپریالیستی توده‌های خلق را تشکیل میدهد. اوج گیری روحیه‌ی استقلال طلبانه‌ی توده‌های وسیع خلق که خود را در

قراردادهای اسارتبار امپریالیسم اند. چه نوع آمریکائی آن و چه نوع روسی اش.

تظاهرات ۳ و ۴ خرداد نمایان ساخت نشان دهنده مساعد بودن اوضاع برای حفظ و عمق بخشیدن به استقلال بکف آمده‌ی میهنمان میباشد. مردم بخوبی میدانند که یک گام از هزاران گامی را که پیش پا داریم پشت سر گذاشته‌ایم و خواهان ادامه‌ی حرکت انقلاب بسوی پاک کردن نفوذ کاسل امپریالیسم به شکل و در هر لباس میباشند. کسب استقلال در کلیه زمینه‌ها احتیاج به مبارزه‌ای دقیق، همه جانبه و نسبتاً طولانی دارد.

در زمینه استقلال سیاسی یا سرنگون شدن رژیم محمدرضا شاه که وابسته به امپریالیسم بویژه امپریالیسم آمریکا بود و روی کار آمدن دولتی ملی زمینه‌ساز برای تحقق این آرمان بوجود آمده است. توده‌های مردم ما خواهان آنچنان سیاست داخلی و خارجی هستیم که حافظ منافع ملی آنان باشد.

استقلال سیاسی در زمینه داخلی بمعنی گرفتن سرنوشت بدست خود است یعنی ایجاد شرایطی که کلیه اقشار و طبقات خلق بتوانند بتکامل و خلاقیت خود را در امر اداره‌ی کشور بکار آورند و قاطعانه دست کلیه امپریالیستها را که بخواهند در امور داخلی میهن ما دخالت کنند قطع نمایند. توده‌های خلق خواهان سیاست خارجی هستند که مبتنی بر مبارزه با امپریالیسم بویژه دوا بر قدرت آمریکا و روسیه و همبستگی با تمام مردم، ملل و کشورهای باشد که خواهان استقلال، آزادی و انقلابند.

در زمینه اقتصادی خلقهای ایران خواهان اقتصادی مستقل و ملی و متکی بخود میباشند، خواستار بریدن وابستگی کلیه موسسات وابسته در صنعت، کشاورزی و خدمات از امپریالیسم اند. لغو قراردادهای اسارتبار و لمانه و نابرابری امپریالیستهای غارتگر منابع نفت، گاز، صنایع فولاد ذوب آهن، ماشین سازی و... آرزوی دیرینه مردم میهن ما است

بودیم. آمریکا در این رابطه علناً از ترکیه درخواست کرد که پایگاه‌ی در اختیارش قرار دهد و شوروی هم به ترکیه فشار میآورد که این پایگاه را به آمریکا ندهد. یکی دیگر از اهداف مشترکشان خواب کردن مردم جهان است.

در زمینه نظامی با پیدایش بسازیم که مدافع استقلال و تمامیت ارضی کشورمان باشد. باید بتوانیم از وجب به وجب خاک میهنمان در مقابل تجاوزات، از شمال و جنوب، شرق و غرب دفاع نمائیم و این امر احتیاج به پاکسازی وسیع ارتش دارد. با اعدام چند نفر پاکسازی ارتش انجام نمیشود. باید ارتش را از لحاظ سلاح قدم بقدم متکی به تولیدات داخل کرد و پیرسنل آن را با روحیه‌ای ملی نوسازی نمود. توده‌های خلق آماده دفاع از استقلال کشور در مقابل تجاوزات بیگانگان هستند. آنان حاضرند با جان و دل از جمهوری اسلامی دفاع نمایند. زمینه برای ایجاد سیستم دفاع ملی قدرتمند و متکی بخلق بمشابه‌ی نیروی کمکی ارتش ملی اسلامی مساعدتر از هر زمان دیگر است.

در زمینه استقلال فرهنگی باید آموزشهای منحنط امپریالیستی و استعماری درهم شکسته شوند. باید به تبلیغ روحیه‌ی اتکاء به نفس ملی و مبارزه قاطع علیه هرگونه بیگانگی پرستی و روحیه وابستگی به این و آن دست بزنییم و به اشاعه فرهنگ ملی و مردمی بپردازیم. نظام فرهنگی فقط در صورتی قادر به حفظ استقلال است که متناسب با احتیاجات ملی و انقلابی ما باشد و از توده‌های میلیونی خلق تغذیه نماید.

ما معتقدیم که بسط و گسترش و عمق بخشیدن مبارزه‌ی ضد امپریالیستی بمعنای انجام کلیه این تغییرات در ۴ زمینه اساسی فوق است. تظاهرات میلیونی پنجشنبه و جمعه نشان داد که توده‌های خلق خواستار این تغییرات اند. باید در هر جا که هستیم، متشکل شویم و با قاطعیت ریشه‌ی هرگونه نفوذ و وابستگی به امپریالیسم را از کلیه شعبون زندگی کشور قسط کنیم.

کرده بلکه در بسیاری از موارد جلو هم افتاده است. با توجه به اینکه محموله موشکهای استراتژیک آمریکا در اقل سالهای دهه ۶۰ سه برابر شوروی بوده میتواند سیستم دریا بیم که شوروی با چه سرعتی خود را به رقیب رسانیده واگیر

زنده باد وحدت...

ستم دیدگی آنان را نفی میکردند و در حالیکه با تازیانه‌ی ستم ملی برگرفته خلقهای تحت ستم ایران میکوبیدند، حتی به آنان اجازه اظهار جود و اعتراض با هویت ملی خویش نمی‌دادند.

جنایات رژیم پهلوی نسبت به ملیتهای تحت ستم ایران از شمار خارج است. کوچ دادنهای اجباری ملیتها و اقوام، قتل و غارت آنها بیهانه‌های گوناگون، گسیل و اسکان افراد غیر بومی به محل آنان و کوشش در تغییر نسبت جمعیت به ملیت بضرر ملیتهای تحت ستم، سلب قدرت از مردم ملیتها و سپردن ادارات و ارگانهای قدرت بدست افراد غیر، جلوگیری از بکار بردن زبان مادری در تکلم، کتابت و تحصیل، دامن زدن به کینه و دشمنی میان ملیتها و اقوام، تحقیر ملیت خلقهای تحت ستم، بختا طرد مردم شکستن غرور و خود آگاهی ملی آنان، ممانعت از رشد و شکوفایی فرهنگ ملی خلقهای تحت ستم، سلب حقوق افراد این ملیتها در امور مربوط به تعیین سرنوشت و حاکمیت ملی خویش، ستم بدین فرهنگ آنان، عقب نگذاشتن اقتصاد و سرمایه‌هایشان و وجود بی سوادی و بی بهداشتی و... در برابر نیم قرن ستمگری وحشیانه امپریالیسم و رژیم پهلوی، خلقهای ایران حتی گروها ز مبارزه با امپریالیسم و برتری طلبان بازنایستاده‌اند. تاریخ افتخار آفرین آنان تاریخ سالهای طولانی مبارزه علیه ستم ملی و بختا طرد کسب حقوق حقه خویش است.

بنابراین مسئله ستم ملی نه مسئله ایست من در آوردی و نه مبارزه با ستم ملی توطئه است. اینکه اکنون پس از پیروزی انقلاب اسلامی فریاد حق طلبانه

نمی‌ترسند، تا نیا کرد و ابتر قدرت جنگ جهانی جدیدی را بر خلقها تحمیل کنند تنها خودشان در آتش آن سوخته و نابود خواهند شد و دنیا بی بدون دوا بر قدرت بیشک دنیا بی روشنتر و سعادت مند تر خواهد بود.

ملیتهای تحت ستم برخاسته است و بدلیل نبودن مسئله نیست بلکه بدلیل اینست که با درهم شکسته شدن رژیم و حکومت ستمگرانه سرنیزه و تانک پهلوی، ملیتهای تحت ستم امکان یافته‌اند فریاد خویش را در سرتاسر ایران طنین اندازند. از طرف دیگر بسیاری از خلقها که در جریان انقلاب شرکت فعالانه داشتند بدرستی اولیین هدف را سرنگونی رژیم شاه قرار داده بودند. و طبیعی است که اکنون پس از پیروزی بردشمن ستمگر خواسته‌های عادلانه خویش را مطرح سازند. بنا بر این طرح خواسته‌های بحق خلقهای تحت ستم ایران بهیچوجه نباید با توطئه‌های دشمنان و نقشه‌های شوم آنان در تضعیف انقلاب و تجزیه کشور، اشتباه گردد. اما می‌بینیم که با وجود سرنگونی رژیم ستمگر سابق ستمگر ملی هنوز حل نشده است. جدا از شرایط عینی، دلایل امر را باید در وجود دوا نحراف اساسی جستجو کرد:

۱- بعضی از مقامات مسئول که ارگانهای قدرت انقلابی را در دست دارند، به نقش و وظیفه خود و مبارزه با ستم ملی، عمل نمی‌کنند. آنها فراموش می‌کنند که پهلوی‌ها بختا طرد ستم به امپریالیسم و ارتجاع ایران خلقهای تحت ستم را بزننجیر ستم ملی کشیدند. پهلوی‌ها بعلت اینکه دست نشانده و ستمگر بودند، از اینکه خلقهای ایران آزادانه در تعیین سرنوشت خویش شرکت جویند، می‌ترسیدند زیرا دوام حکومت شاهنشاهی بر ستمگری به خلقها استوار بود. اما خلقهای ایران نفعی در اعمال وادامه ستم ملی نداشته‌اند و امروز پس از پیروزی و روی کار آمدن دولت ملی، خلقهای ایران محق آنند که از دولت و ارگانهای مرکزی بخواهند، تا با برانداختن ستم ملی به جبران نیم بقیه در صفحه سوم

کمونیستهای و جمهوری...

سوسیالیستی به کشور امپریالیستی تبدیل گردیده. امروز این کشور ابرقدرتی سوسیال امپریالیستی است که تلاش دارد کشور ما را به زیر سلطه خود درآورد. این تغییر ماهیت و روشن شدن مساله برای توده های مردم ما، بویژه با توجه با اینکه این ابرقدرت زیر پوشش "سوسیالیسم" و کشوری سوسیالیستی عمل میکند، در میان نیروهای ملی و استقلال خواه بدبینی فراوانی نسبت به کمونیست ها بوجود آورده است. آنها کمونیسم را با بیگانه پرستی و نوکرا بر قدرت و روی بودن که توده های امروزی نمونه بارز آن هستند، هم هویت میکنند.

سومین علت اشتباهات بزرگ و نا بخشودنی رهبری حزب توده ایران، در هم کاری با قوا م السلطنه، در طرح شعار ملی کردن نفت جنوب بخاطر حفظ منافع شوروی در شمال ایران، در ارزیابی نادرست از حکومت دکتر مصدق و آمریکا ثی خواندن آن و بالاخره در اتخاذ سیاست تسلیم طلبی و فرار طلبی در کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ و زهمه مهمتر در خیانت رهبری آن در دنیا له روی از حزب رویزیونیستی شوروی و تبدیل کردن حزب به ازاری برای پیشبرد سیاست جهان گشائی ابر قدرت امپریالیستی روس بوده است.

کاری طولانی لازم است تا نوده های وسیع خلق بین کمونیستهای واقعی و میهن پرست با عمال امپریالیسم روس که زیر پرچم زرد و ورشکسته ی حزب توده فعالیت میکنند، تمایز گذارند و همه را با یک چوب نرانند.

ما کمونیست ها در چنین وضعی چه وظیفه ای داریم؟ چگونه باید به اوضاع بفرنج و متحول برخورد نماییم؟ چگونه باید مرا اتحاد بزرگ خلق را گرامی بداریسم و بخاطر آن جانفشانی نماییم؟

اولا باید به حقانیت امر خویش ایمان داشته باشیم، بدانیم که آینده ی ایران با توده های وسیع خلق هاست، با زحمتکشان و با بهره گران است. ایران امروز با یدبه دست توانای مستضعفین نوسازی شود و ایران فردا، ایرانی جز آنچه امروز است نخواهد بود.

بین محکومان و حاکمان شروع شد و ادامه یافت و تا ایجاد جامعه ای بدون طبقه ناگزیر ادامه خواهد یافت. انقلاب اسلامی کنونی گامی است در این راه و در این جهت؛ هنوز باید انقلابات دیگری صورت گیرد، هنوز باید نفوذ امپریالیستها بطور کامل از ایران ریشه کن شود، با یدسرما یداری وابسته و بقایای نظام ارباب-رعیتی نابود گردد و تا رسیدن به این هدفها چندین انقلاب از نوع انقلاب کنونی و حتی پیشرفته تر و عمیق تر باید صورت گیرد. این انقلابات باید تمام شئون جامعه ما را دربرگیرند:

در زمینه معنوی تغییرات بزرگی بوجود بیاید و روند کمونیستهای واقعی با یدبه آموزش خود ادامه دهند تا خصوصیات جامعه و جنبش کنونی را بآنها آموزش دهند، به واقعیات احترام بگذارند به تکامل یدیده های ایمان داشته باشند، آماده باشند چیزهای نورا که بطور مستر ظاهر میشوند بپذیرند و قانوبندی آنها را بدست آورند. کمونیستها باید عمیقاً درک کنند که در کشور ما جنبش تاریخی و انقلابی اسلامی موجود بوده و انقلاب کنونی ما زیر این پرچم به پیروزی رسیده است. عمیقاً خصوصیات این جنبش را که خدا امپریالیستی و آزا دیخواها نه است و روبه زحمتکشان دارد ریابند و طبق شرایط ایران و خصوصیات جنبش کنونی عمل نمایند. متقابلاً رهبران جمهوری اسلامی هم باید بین کمونیست های واقعی و کمونیستهای کاذب و ساختگی، بین کمونیست های استقلال خواه و متحد با جمهوری اسلامی با کمونیستهای وابسته به امپریالیسم روس و ضد جمهوری اسلامی تفاسوت قائل شوند. جنبش اصیل اسلامی کنونی با یدبا کمونیستهای واقعی متحد شود، دشمنان انقلاب کنونی ما زیا دند و هنوز نسبتاً بزرگ قدرت، نباید مغرور شد، بگفته خود امام غرورستی میاورد و هوشیاری را در برابر دشمن تنزل میدهد. اتحاد تمام نیروهای میهن پرست ضروریست. چنانچه معیاری بکار برده شود که تمام نیروهای انقلابی و استقلال خواه را در برنگیرد، چنانچه مبارزات گذشته خط بطلان کشیده شود و دیگر مبارزین و رهبران خود را شمرده شوند، تفاهد، صغوف

دشمنان ما، امپریالیست ها بویژه آمریکا و روس و طبقات ارتجاعی وابسته به آنها میباشند. باید تمام نیروها را علیه این دشمنان متحد کرد. در اینجا جای هیچگونه انحصار طلبی و کنار گذاشتن باقی نیست. رهبران جمهوری اسلامی نیک میدانند که رمز موفقیت انقلاب ما در وحدت کلمه آن بود. امروز هم رهبری با یدآگاهانه عمل نماید، کلیه نیروهای را که علیه امپریالیسم بویژه آمریکا و شوروی و عمال آنها هستند، متحد سازد، آتش حمله را پراکنده نکند و در کلیه جبهه ها به نبرند ازد.

جمهوری اسلامی پرچمی است که مردم ما را از مسلمان گرفته تا بهودی و ارمنی، از کرد گرفته تا عرب و آذری، از کمونیست گرفته تا ناسیونالیست، از اقلیت گرفته تا اکثریت همه و همه، به گردهم آورده و در پی آن بسپه رهبری امام خمینی به مبارزه علیه دشمنان میبرد ازند. ما خود را جزئی از این کاروان بزرگ خلق میدانیم و خواهان پیشروی این کاروان به جلو و ادامه ی انقلاب هستیم. در عین حال ما آشکارا اعلام کرده و میکنیم که کمونیست هستیم، معتقد به ادامه انقلاب، به تحولات انقلابی یکس از دیگری میباشیم و آینده ی ایران را اول، جامعه ای بدون امپریالیسم و عمال آن، بدون سرما یدداری و وابسته و بدون بقایای فئودالیسم و دوم، جامعه ای سوسیالیستی و بالاخره بدون طبقه میدانیم. ما با اسلام انقلابی، با اسلام مبارز که امروز امام خمینی آن را رهبری میکند نه تنها مخالفتی نداریم بلکه معتقدیم در تکامل انقلابی جامعه ای ما به جلو باید نقش انقلابی کنونی خود را حفظ کند و تا پیروزی نهایی مردم ما به پیش روی ادامه دهد. ایران آینده ی ما از ایران گذشته و حال ما بیرون خواهد آمد، فرهنگ آینده ی ما، معنویات آن نمی تواند جدا از فرهنگ گذشته و کنونی ما باشد. جامعه ای ما را از اسلام نمی توان جدا کرد، اسلام انقلابی، اسلام مبارز مهر خود را به جامعه ما زده است. پرچم جمهوری اسلامی ما پرچم مبارزه علیه امپریالیسم بویژه دو ابر قدرت

ما عمیقاً اعتقاد داریم که رهبران انقلابی جمهوری اسلامی ما با یدبین دوست و دشمن تمایز دقیق قائل شوند، با آنها که با دشمنان ما مخالفند صرف نظر از اختلاف عقیدتی و مسلکی، نژادی، ملیتی، مذهبی و فرقه ای متحد شوند، بین کمونیست های واقعی و کمونیست های کاذب و نوکرا امپریالیسم روس تمایز قائل شوند. ما عمیقاً اعتقاد داریم در صفوف مردم، در میان دوستان انقلاب با ید آزادی بیان، آزادی اجتماع، آزادی قلم و آزادی تشکل داده شود استعدادهای مردم شکوفا ن گردد. و انقلاب به پیشروی ادامه دهد. بدون چنین آزادی، شور و شوق انقلابی توده ها شکوفا ن خواهد شد، کارها بخوبی بجلو نخواهد رفت، و تفرقه بجای وحدت، هرج و مرج به جای انضباط حاکم خواهد شد.

جمهوری اسلامی با وجود آزادی استحکام مییابد و استقلال و آزادی است که جمهوری اسلامی رنگ سیاسی و ماهیت سیاسی خود را نمایان کرده است. استقلال،

مباحثه مطبوعاتی

در اینجا من تشکرمی کنم و تا نیا از همه تقاضای کنم که آنچه را که من می گویم بدون کم و کاست و سعی شود که گفته مرا آنچه که هست نقل بکنند. در جلسه ای که سه شب پیش حضرت آیت الله خاقانی با حضرت آیت الله خمینی داشتند مطالبی بین دو طرف مورد تفاهم و رد و بدل شد که این مطالب را الان من ذکر می کنم که این مطالب روی هم رفته مورد تایید حضرت آیت الله خمینی هم قرار گرفته است:

۱) سعی و کوشش هر چه زودتر جهت تدوین قانون اساسی اسلامی و نیز تعجیل برای انتخاب رئیس جمهور و گذاشتن مذهب جعفری اثنی عشری مذهب رسمی دولت با اعطای آزادی کامل برای تمام مذاهب و احزاب و گروههای دیگر تا جایکه قدمی بر خلاف مصالح عمومی کشور و حکومت اسلامی برداشته نشود.

۲) بذل مساعی هر چه بیشتر در انتخاب افراد مسئول دولتی و انتخاب آنان از افراد با تدبیر و ایمان، بعلمت اینکه متأسفانه مشاهده شده است

آزادی، جمهوری اسلامی، پرچمی بود که میلیونها نفر را به حرکت درآورد و در فراندنم رای آری آنان را به صندوق ها سرازیر کرد. ما کمونیستها به حقانیت امر خویش ایمان داریم و همچنان که سالها از پیش روی با زنا یدستا ده ایم به کار خود ادامه خواهیم داد و صادقانه حاضریم یدیده های نوین را بپذیریم و به نظرات دیگران گوش فرادهیم. ما کمونیستها استقلال خواه، آزادی طلب و متحد با جنبش انقلابی اسلامی هستیم و در برابر دشمنان انقلاب پیروز مندا سلامی کنونی استوار ایستاده ایم و قاطعانه از وحدت بزرگ خلقهای ایران زیر پرچم استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی دفاع مینمائیم. آینه های خلقهای ما تا بناک و درخشان است، ما با ین امر بدون تردید ایمان داریم در عین اینکه میدانیم راه پرپیچ و خم وسخت است. پیروز با جمهوری اسلامی ایران به رهبری امام خمینی. مستحکم با وحدت بزرگ خلقهای ایران.

در آذین و تلویزیون و روزنامه ها و مجلات و روی هم رفته داد. آزادی به تمام طبقات و اقشار مملکت بشرط اینکه این آزادی موجب سلب آزادی دیگران و یا موجب تشنج و بی نظمی در کشور نشود. زیر پوشش قرارداد تمام کارگران و کارمندان غیر رسمی جهت تامین حقوق و آینه آنان و سعی در جهت با لایردن حقوق آنان در آینه بعلمت اینکه اکثر کارکنان با حقوقی بسیار ناچیز زندگی می کنند و کمک به مستضعفین تا بتوانند با آرا مش خاطر در جهت خدمت به کشور قدم بردارند. ۱۵) ما مورینی که در خوزستان انتخاب میشوند برای حفظ منطقه لازم است که از افراد با تدبیر و با ایمان انتخاب شوند و روی هم رفته دارای لیاقتی باشند که بتوانند با سیاست و تدبیر و مهربانی با مردم مسائل را حل کنند، نه افرادی شیر که بخوانند بجای آنکه کارها از راه سیاست و تدبیر حل کنند از راه خشونت و تهدید وارد شوند زیرا منطقه خوزستان، سبباً از هر منطقه دیگر

نوسازی شود و ایران فردا، ایرانی جز آنچه امروز است خواهد بود. تاریخ هیچگاه در جا نرده است و همیشه به پیشروی خود ادامه داده است. از آن زمان که اغنیای بر فقر تسلط یافتند و از آن زمان که جامعه‌ی طبقاتی بوجود آمد، مبارزه بین مستضعفین و مستکبرین، بین مظلومان و ظالمین،

زنده باد وحدت...

قرن ستمگری ملی برد از نهد. ارگانهای قدرت و دولت مرکزی باید توجه نمایند که در صورت ادامه ستم ملی رابطه انقلابی خویش را با ملیتهای تحت ستم بدست خویش قطع می کنند. اگر دولت بطور جدی قصد ادامه مبارزه با امپریالیسم و پس مانده های ارتجاع داخلی را دارد، باید بدانند که تکیه گاه واقعی اش خلقهای ایران اند و ادامه ستمگری به این خلقها، محروم کردن خویش از چنین تکیه گاه مطمئنی در مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع است.

وحدت و تمامیت ارضی ایران را بدو صورت میتوان حفظ کرد یکی همانند رژیم پهلوی از طریق لگد مال و نابود کردن حقوق ملیتهای ایران و دوم بطریق دموکراتیک و خلقی و انسانی یعنی بر اساس برابری حقوق و احترام متقابل ملی، برسمیت شناختن و تمامین حقوق ملی کلیه خلقهای ایران و وظیفه ارگانهای مسئول دولت و انقلاب است که از راه اول دوری جسته و فعلا لانه از طریق دوم عمل نمایند. آنها باید با استفاده از قدرتی که در اختیار دارند، بطور جدی با برتری طلبی های ملی رضا خانی مبارزه کنند و به تاسیس و بسط مساوات و برابری ملی بپردازند. در غیر این صورت ارگانهای مسئول بدست خویش به تفرقه افکنان و تجزیه طلبان میدان میدهند تا مبارزات خلق های ایران علیه ستم ملی را متوجه دولت و ارگانهای مرکزی نموده و از آن برای تضعیف دولت، فرسایش نیروها و تجزیه ایران سوء استفاده نمایند.

۲- در میان خلقهای تحت ستم نظرات، جریانهای سیاسی و عناصری یافت میشوند که با تکیه مطلق و

کشیده شود و دیگر مبارزین و رهبران خوار شمرده شوند، تفرقه در صفوف مردم بوجود خواهد آمد و دشمنان انقلاب میتوانند از آن سوء استفاده نمایند. از تجارب تاریخی باید آموخت و آموخته ها را با پیدرپید موقعیت حساس، درست و بموقع بکار برد.

یکجانبه بر مبارزه علیه ستم ملی عمدگی مبارزه ضد امپریالیستی را فراموش کرده و در نتیجه به لزوم اتحاد با کلیه نیروهای ضد امپریالیستی از جمله دولت جمهوری اسلامی ایران کم بها میدهند. منافع عالی خلقهای ایران در اتحاد، همبستگی و مبارزه مشترک با امپریالیسم بویژه دوا بر قدرت آمریکا و شوروی نهفته است، نه در تنگ نظریها و تعصبات ملی. آنها باید توجه کنند که پس از سقوط رژیم ستمگرا شاه و روی کار آمدن حکومت ملی، حکومت مرکزی ایران دیگر مظهر و نماینده ارتجاع و برتری طلبی و سلطه امپریالیسم نیست بلکه قدرت مرکزی و دولت با همه کمبودهایش بخشی از نیروهای استقلال طلب و ضد امپریالیستی جامعه ماست. بنا بر این مبارزه علیه ستم ملی که باید به عنوان بخشی از مبارزه ضد امپریالیستی به پیش برده شود تنها نمی تواند عمدتاً علیه دولت و یا جدا از دولت باشد بلکه باید به عنوان مبارزه ای ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی در اتحاد با دولت و با شرکت قدرت دولتی و دولت جمهوری اسلامی به پیش برده شود. این امر بهیچوجه بمعنی نفی لزوم مبارزه خلقهای تحت ستم علیه ستم ملی نیست.

رهائی ملی خلقهای تحت ستم در ایران تابعی است از مبارزه ضد امپریالیستی در کل ایران. این یک اشتباه بزرگ خلقهای نظری برتری طلبانه را با تنگ نظری ملی خویش پاسخ گویند و بعوض اینکه مبارزه بخاطر برابری ملی را در درون اتحاد بزرگ کلیه نیروهای ضد امپریالیستی به پیش برند، به رشد تالیات تفرقه جویانه و تجزیه طلبانه امکان داده و در

اسلامی ما برچم مبارزه علیه امپریالیسم بویژه دوا بر قدرت آمریکا و روس، برچم استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی است ما از این برچم دفاع کرده و تا زمانیکه در راه گامروان مردم و بویژه مستضعفین باشیم، در صفوف آن به پیشروی ادامه خواهیم داد.

نهایت به جنگ داخلی ملّی میادرت ورزند. از نظر ما برای حل مسئله ملی در شرایط حساس کنونی، باید بر دو اصل تکیه کرد:

۱- مبارزه با ستم ملی بخاطر برابری همه جانبه ملیتهای مختلف ایران.

۲- مبارزه با تجزیه طلبی بخاطر وحدت خلقها و تمامیت ارضی ایران تا کید یکجانبه بر مبارزه با ستم ملی و نفی لزوم وحدت خلقهای ایران برای مبارزه ضد امپریالیستی باعث میگردد که دوا بر

قدرت آمریکا و شوروی و بساز - ماتدگان ارتجاع بتوانند از این مبارزه در جهت تخریب وحدت خلقها و تجزیه کشور بهره برداری نمایند. از طرف دیگر با فشار برای وحدت خلقها و تمامیت ارضی بدون مبارزه برای برانداختن ستم ملی، موجب تضعیف وحدت خلقها، رشد تفاذهای درون خلق عدم بسیج خلقها برای مبارزه با امپریالیسم و تضعیف نیروهای ضد امپریالیستی کشور شده و به مبارزه ضد امپریالیستی زیان وارد می آورد.

بنابراین ما معتقدیم که باید به هر دو جنبه توجه نمود. هم برتری طلبی ملی و هم تجزیه طلبی را مورد انتقاد قرار داد.

برابری ملی از راه تجزیه و تفرقه همانقدر نادرست است که وحدت کشور از راه ستمگری ملی. هدف ما کشوری واحد با ملیتهائی برابر و برادر است.

در راه رسیدن به این هدف دولت و نیروهای سیاسی و خلقهای تحت ستم همگی مسئولیت دارند و باید فعلا لانه بوظایف خویش عمل نمایند.

آن از افراد با تدبیر و ایمان، بعلمت اینکه متاسفانه مشاهده شده است که بعضی از ما مورین دولتی یا بر اثر عدم لیاقت و یا برای خدمت به مصالح شخصی و یا برای خدمت به بیگانگان بجای اصلاح امور و ایجاد وحدت کلمه و حل مسائل از راه منطقی، موجبات تشنج و تفرقه افکنی گشته اند.

۳) تجدید نظر در دادگاههای موجود و اعدای این دادگاهها و قرار دادن دادگاهها تحت نظر مراجع و مجتهدین تا اینکه بر طبق موازین شرعی اسلامی در آنها عمل شود. ضمناً تا سر حد امکان همانگونه که روش حضرت محمد (ص) و حضرت علی (ع) بعد از فتح مکه و جنگ جمل بود، می بایست جانب عفو، عطوفت، بخشش و مهربانی را در پیش گرفت.

۴) جلوگیری از اتهامات و بی احترامی های بعضی از جوانان افراطی به بعضی از روحانیون و مردم به بهانه های مختلف که اغلب عاری از دلیل و مدرک شرعی می باشد و نیز اصلاح کمیته ها و تصفیه آنها از افراد افراطی و غیر معقول و گمراهان افراد معقول و با تدبیر در آنها بعلمت اینکه بسیاری از کمیته ها موجبات ناراضیتهای مردم شده اند.

۵) بخاطر اینکه اموری در کشور همانگونه که هست به حضرت عالی برسد (یعنی به نظر حضرت آیت الله خمینی برسد) فرزندان آیت الله خاقانی بهتر است که راه حل هائی برای توحید کلمه بین تمام مراجع در پیش گرفته شود.

۶) اعطای حقوق شرعی و قانونی خلق عرب خوزستان، و گرنه خطر بسیار بزرگی در پیش خواهد بود که نتایج غیر حسنه ای خواهد داشت، همانگونه که می بایست حقوق شرعی و قانونی تمام خلقها چه کرد، ترک، فارس، بلوچ، ترکمن و غیره داده شود.

۷) در صورت انتخاب پاسداران انقلاب لازم است که افراد انتخاب شده از بین افراد خود هر منطقه به نسبت جمعیت آن چه عرب، فارس، ترک، کرد و غیره انتخاب شوند.

۸) دادن آزادی بیشتر بر طبق موازین شرعی برای علمای اسلام و غیر آنها و رویه گرفته برای طت

خسونت و تهدید و اردشوند زیر امنطقه خوزستان بیشتر از هر منطقه دیگر در ایران از جهت سیاسی و اقتصادی حساس می باشد و نیز بکارگماردن خلق عرب خوزستان در تمام شئون و امور آن منطقه به نسبت جمعیت آن منطقه، ضمناً یادآوری می شود که بعضی از افراد در آن منطقه سبب اختلاف و دودستگی و نفاق افکنی شده اند که بر دولت لازم است هر چه زودتر جلوی چنین افرادی را بگیرد اینها مطالب کلی بوده که مورد مباحثه و مورد تفاهم بین حضرت آیت الله خاقانی و حضرت آیت الله خمینی قرار گرفته، بعد از اینکه این مطالب خوانده شد خود حضرت آیت الله خمینی نیز اینها را تایید کردند و گفتند که مطالبی هستند صحیح و انشا الله ما سعی میکنیم که هر چه زودتر این مطالب را جامعه عمل بپوشانیم.

بر اثر این جلسه خود حضرت آیت الله خمینی نیز دستور دادند که لازم است که در تدوین قانون اساسی تعجیل شود و در انتخاب رئیس جمهور هم همچنین، یعنی هر چه زودتر این قضیه انجام بگیرد و در احترام روحانیت و رویه گرفته علمای اسلام الان اگر آقایان سوالی داشته باشند:

خبرنگار رنجبر: حضرت آیت الله رهبری خلق عرب خوزستان را بعهدہ دارند و از آنجا تیکه خلقهای دیگر ایران با همان مسائل جدی روبرو هستند که خلق عرب با آنها مواجه هست می خواستم بپرسم پیامی برای دیگر خلقها ندارند؟ سپر حضرت آیت الله: مقصود حضرت آیت الله خاقانی این نیست که خود ایشان رهبر خلق خلق عرب خوزستان باشد بلکه رویه گرفته بعلمت اینکه حضرت آیت الله خاقانی یکی از مراجع بزرگ تشیع هستند هر خلق و یا هر گروهی که مورد حقوق آنها دفاع می کنند و بعلمت اینکه در خوزستان هستند و بیشتر تماشان با خلق عرب است برای این از خلق عرب دفاع کرده اند، همانگونه که بارها از خلق کرد، ترک، کارگران و کارمندان و رویه گرفته از تمام مستضعفین ایران و بقیه در صفحه چهارم

مصاحبه مطبوعاتی

جهان دفاع کرده اند .
سپس حضرت آیت الله خاقانی فرمودند من یک اختصاصی به خلق عرب ندارم ولیکن بعلمت اینکه خلق عرب در زمین های اصلی خودشان سالها در دوران پهلوی مورداهانت و تحقیر و بی اعتنائی قرار گرفته اند و تمام حقوق و حتی حقوق اولیه آنان نیز پایمال شده بود برای این من از آنها دفاع کردم همانگونه که از کارگران و کارمندان شرکت نفت با وجودیکه اغلب آنها فارس هستند دفاع کردم، از کارگران پروژه ای آبادان دفاع کردم و از کارگران و کارکنان بندر رویمهرفته دفاع کردم، همانطور دفاع می کنم از خلق کرد، ترک و از خلقهای دیگر ایران برای ما مورین شرکت و کارکنان نفت آبادان و کارگران آبادان و بندر و گمرک من بارها شده که با دولت جهت احقاق حق آنها و رسیدن آنها به حقوق شرعیشان بارها اصرار کردم و تقریباً با شدت با دولت صحبت کرده ام که متوجه آنها بشوند در جواب سوالی که از طرف خبرگزاری رویتر مطرح شد که این بود : آیا حکومت فعلی و یا دولت فعلی خود مختاری را به خلقهایی که اکنون خواهان آن هستند می دهد یا نه ؟ فرمودند :

من نمیدانم که دولت نظرشان اینست که به خلقهایی که خواهان خود مختاری هستند خود مختاری میدهد یا نمی دهد و این امری است که به خود خلقها بر می گردد که آنها خواهان این هستند . ولی اگر دولت می خواهد به یکی از خلقها خود مختاری بدهد بردولت لازم است که به بقیه نیز خود مختاری بدهد . خبرنگار رنجبر : حضرت آیت الله گفتند خواست خلقها خود مختاری است ، آیا خلق عرب خوزستان جزو خلقهایی است که خود مختاری می خواهد ؟

پس آیت الله البته خودشان می خواهند و مطلبی نیست که به حضرت آیت الله برگردد ، خود خلق عرب وقتی به تهران رفتند این مسئله را گفتند و این از مطالبی نیست که به علمای تشیع یا به مرجعیت برگردد و خود خلق عرب خواهان آن است ولیکن اگر چنانچه دولت خواست به بعضی خلقها

دولت خواسته های شرعی و قانونی خلقها را بدهد که این بزرگترین ضامن و تضمین کننده برای خلق سلاح می باشد . زیرا اگر چنانچه خلقها اطمینان حاصل کردند و با آنها حقوق شرعی و قانونیشان داده شد دیگر خود بخود احتیاج و وا هممه نخواهند داشت که اسلحه ای را حمل کند .

رنجبر : آقای بازرگان در نامه ای که در جواب به هیئت نمایندگی خلق عرب با بیان اینک هیئت نمایندگی خودش خود مختاری را رد کرده این مسئله را نپذیرفته اند اگر مسئله خود مختاری مورد بحث بود می خواستم نظراً ما خمینی را در مورد مسئله خود مختاری بدانم ؟ آنچه من برای آقای مهندس مهدی بازرگان در موقع رفتن هیئت نمایندگی خلق عرب نوشتم این بود که بردولت لازم است که حقوق شرعی و قانونی خلق عرب را بر طبق موازین شرعی اعطاء بکنند همانطور که بردولت لازم است که حقوق شرعی و قانونی تمام خلقها را مراعات بکند و اگر چنانچه خود مختاری را بهمان شروط بین المللی که هست بیکی از خلقها دادند ، می بایستی به خلق عرب خوزستان داده بشود ولیکن از آنجائیکه خود اعطای حقوق شرعی و قانونی یک مفهوم عامی است که ضامن تمام آزادیها و ضامن تمام تقریباً خواستها بر طبق عدالت اسلامی می شود ، من آن مطلب را به عنوان اعطای حقوق شرعی و قانونی گفتم . و خود (هیئت نمایندگی) خلق عرب هم موقعی که در تهران بودند این مطلب را بعنوان خود مختاری بر طبق ضوابط رسمی جهانی آنجا مورد مذاکره قرار داده بود . و درباره این مطلب بخصوص که خود مختاری برای خلق عرب خوزستان و یا غیر آنها و حرفهای دیگر ، بین من و حضرت آیت الله خمینی نبوده ، بلکه مطلبی که مورد مذاکره بوده که بردولت لازم است که حقوق شرعی و قانونی تمام خلقها را بدهد که این گفته تضمین کننده تمام خلقها بر طبق ضوابط اسلامی خواهد بود .

رنجبر : همانطور که فرمودند بنظر ما هم رعایت و در نظر گرفتن و پاسخ دادن به حقوق حقه مطالباتی از طرف خلقهای مختلف از حکومت مرکزی نقش موثری در حفظ استقلال کشور و وحدت کلمه و وحدت خلقهای ایران دارد . حضرت آیت الله رابطه

رنجبر

محفوظ شد که موجبات رضایت مردم را توانست دولت ایجا دکنه گمیان نمیکند هیچ دولتی بتواند در منطقه نفوذ پیدا کند . و همه ما سعی و کوشش ما این است که عدالت واقعی تطبیق شود و اسلام آنچه هست بوده پیاده شود تا اینکه این اختلافات و نارسائی ها و این بعضی اختلافات موجود انشاء الله در آینده برطرف شود .

رنجبر : تا جایی که ما اطلاع داریم در مسائل مختلف عمل امیرالایستی بخصوص آمریکا و شوروی بر علیه انقلاب اسلامی توطئه میکنند و حضرت آیت الله که همواره بیان کننده خواست خلق عرب بوده و هستند برای درهم کوبیدن این توطئه چه تدابیری اتخاذ کرده و پیشنهاد میکنند ؟

... هم من وهم بقیه ی مراجع سعی و کوششمان این است که جلوی توطئه ها و نفوذ بیگانگان را در کشور بگیریم و سعی ما اینست

که بین دولت و خلقهای ایران تفاهمی ایجا شود تا بیگانگان نتوانند از این اختلافات و بعضی از عدم تفاهم ها استفاده بکنند و بخوانند نفوذ خود را در منطقه پیاده بکنند .

رنجبر : بعد از دوران رضا خانی این اولین بار است که بین عشا ی عرب وحدت عمیقی در مبارزه دیده می شود چه قبل از انقلاب و چه اکنون برای بدست آوردن حقوق ، و اگر دولت مرکزی با خواست خود مختاری موافقت کند منطقه بصورت عشیره ای اداره خواهد شد یا شکل دیگری خواهد داشت ؟

... اگر چنانچه این مطلب شد در آینده بر طبق ضوابط مقررات اسلامی در سرتا سر ایران همانگونه که در خوزستان خواهد شد ما نند یک شخص واحدی بر طبق ضوابط اسلامی عمل خواهد شد . و رفتارها و اعمال بر طبق ضوابط عشیره ای یا قومی خاص در آنجا عمل نخواهد شد و همه انشاء الله که به اسلام واقعی و حقیقی توجه خواهند کرد و همه برادرانه در سرتا سر ایران زندگی خواهند کرد . و رویهمرفته برادرانی خواهند بود با وجودی که از جهت زبان با یکدیگر اختلاف دارند .

افغانستان :

سوء قصد

۳) در صورتیکه دو شرط قبلی عملی شود ؛ اولاً حرکت فعال ضداً امیرالایستی و بویژه ضداً بر قدرت انقلاب اسلامی ایران بر رهبری امام خمینی که به امیرالایسم آمریکا ضربه سختی زده ، دجار وقفه میشود و ثانیاً این وقفه بطور اجتناب ناپذیر از ادامه پیگیری این نهضت بزرگ که خواهی نخواهی رؤیای امپراطوری جهانی تزارهای نوین گرملین را در این نقطه حساس جهان شیدا بخطر می اندازد ، جلوگیری خواهد کرد .

این حادثه در عمل نشان میدهد که سمت گیری اساسی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی درست بوده و به منافع اساسی دوا بر قدرت آمریکا و شوروی ضربه میزند . در عین حال این حادثه بی شک اراده ی خلقهای ما را برای ادامه مبارزه استوار تر خواهد کرد و بر هوشیاری توده های مردم ما خواهد افزود .

بخاطر پیشبرد مؤثر تر مبارزه ، بخاطر درهم شکستن توطئه های ضد انقلاب و ایسته باید :

* روی مرز بندی با دشمنان انقلاب ایران یعنی امیرالایسم بویژه آمریکا و شوروی یا فشاری کنیم و علیه آنها با تمام کسانی که ضداً آنها هستند ، متحد شویم .

* با بدباز هم بیشتر توده های وسیع خلقهای ایران برای کشف توطئه های ضداً انقلاب و ایسته و سرکوب آنها تکیه کنیم و ضداً انقلاب را در همه جا ز ریشه بیرون آوریم .

* با بدآتش حمله را با زهم بیشتر متمرکز سازیم ، آمریکا و روس را به عنوان دشمنان عمده و سرما ، بطور متمرکز بکوبیم .

اوضاع انقلاب خوبست ، توده ها هوشیار و آماده نبردها و مصافهای بزرگتری با دشمنان انقلاب هستند . تا زمانیکه میلیونها نفر سیج و متشکل باشند و از خط مشی صحیح ضداً امیرالایستی پیروی کنند ایران در تسخیر ناپذیری است که کلیه حملات امیرالایستها را دفع خواهد کرد .

پیروزی با دا انقلاب اسلامی ایران بر رهبری امام خمینی مرگ بردوا بر قدرت امیرالایستی آمریکا و روس و مزدوران آنها . جنایات ضداً انقلاب و ایسته ، تنها اراده ی خلق را برای ادامه انقلاب استوار تر خواهد کرد .

سازمان انقلابی
۱۳۵۸/۳/۵

آوریل چهار هواپیمای "میگ" و یک هلیکوپتر را بر فراز این استان سرنگون کردند .

* روزنامه هراالدترینیون در گزارشی که از افغانستان تهیه کرده از جمله مینویسد : یک تخمین محافظه کارانه ، تعداد کشته شدگان را ۵۰۰۰ نفر برآورد میکند که شامل کشته شدگان قیام کابل که بوسیله هواپیما بمباران شدند نیز میباشد . بنظر میرسد که خلبانان روسی در حمله دولت به مردم شرکت داشتند . اشخاص معتبری که در هرات بوده اند پیغامهای بی زبان روسی از دستگاه کنترل هوایی شنیده اند .

* اهالی غیور دهکده "کنسک" در ۲۳ اسفند ۱۳۵۸ ، توسط تفنگ های قدیمی موفق میشوند حدود ۱۳ نفر از سربازان دولتی را که بخاطر سرکوب شورش مردم اعزام شده بودند به قتل رسانند .

بمباران های روسی ، تمام دهکده را بمباران کرده و بمباران و ماکن مردم خسارات زیادی وارد آوردند . اما بعلمت سنگربندی مردم در کوهها ، نیروهای دولتی موفق به وارد آوردن تلفات جانی به اهالی دهکده نشدند .

* مردم مبارز بلوک "ناردره" در برابر شورش و حملات مسلحانه شان

خواهان آن است ولیکن اگر چنانچه دولت خواست به بعضی خلقها خود مختاری بدهد موظف هست به خلق عرب خوزستان هم بدهد. آسویتدپرس: من از خوزستان می آیم و آنجا الان ۵۴ روزه خلق عرب با فرماندار خرمشهر صحبت می کنند که آن سه تا ساختمانی که الان خلق عرب در اختیار دارند اینها را نمی خواهند پس بدهند برای اینکه به خلق عرب تعلق دارد، از نظر جدی به خلق عرب تعلق دارد و این خلق ما یلندا سلحه هائی را که با پول فروش خانه و اتومبیلشان خریده اند را نگه دارند و فرماندار استان خوزستان جناب آقای مدنی پافشاری می کنند که اینها باید بیایند بیرون و پافشاری کنند و اسلحه ها را پس بدهند در این صورت خلق عرب خوزستان و بخصوص خرمشهر چه اقدامی می خواهد بکند و آیا خونریزی خواهد شد و اگر بشود که شروع می کنند دولت یا خلق عرب؟ آنچه علمای تشیع می خواهند اینست که تمام اقشار وحدت کلمه و یگانگی و برادری خود را حفظ کنند ولیکن آیا و ما بین خلق عرب در جهت تخلیه مناطق و اماکنی که الان در دست آنهاست و در جهت خلع سلاح تفاهمی حاصل خواهد شد یا نه من اطلاعی ندارم و آیا استاندار آقای مدنی میتواند از یک راهیسی و با تدبیر وارد این قضیه شود و این مسئله را از راه تدبیر و منطقی حل بکند یا نه من نمیدانم و آیا می خواهد از راه منطقی مسائل را حل کند یا از راه تهدید و خشونت این راه من الان نمی توانم بگویم. موقعی که من آنجا بودم چند روز قبل از آمدن استاندار آقای مدنی پیش من آمدند جهت حل اختلاف و قضایائی که در خوزستان بود ولیکن مشاهده کردم از روش و رویه ایشان که می خواهد مسئله را از راه خشونت و تهدید حل بکند که من از او خواستم و بیا و گفتم که این روش یک روش منطقی و صحیح نیست و روش تفاهم و اصلاح هم نخواهد بود در مورد خلع اسلحه حضرت آیت الله همواره فرموده اند که: بهترین راه برای خلع سلاح عمومی در سرتاسر ایران اینست که

و وحدت کلمه و وحدت خلقهای ایران دارد. حضرت آیت الله رابطیه برقرار را بین حقوق با استقلال کشور را چگونه می بینند؟ اگر چنانچه آزادی کامل بر طبق ضوابط اسلامی به تمام خلقها، گروهها و افراد داده شد بنظر من بیا هیچگونه مشکلی در آینه مواجبه نخواهیم شد زیرا اگر چنانچه تمام اقشار کشور به خواستهای خودشان بر طبق عدالت واقعی اسلامی رسیدند گمان نمیکنم این مطلبی خواهد بود که دولت را نیز ثقیوت میکند و بعلمت اینکه اگر چنانچه دولت آزادی داد از جهت عقیده، از جهت فرهنگی، از جهت اقتصادی و از جهت مسافرت و تحصیل در خارج، از جهت روزنامه و از جهت رادیو و تلویزیون به مردم و توانستند با آزادی مطالب خودشان را بگویند و حقوقشان را دولت بر طبق ضوابط و عدالت اسلامی بآنها بدهد، گمان نمیکنم هیچگونه پیش آمد خطرناکی در آینده پیش بیايد. اگر چنانچه بر طبق موازین شرعی دولت حقوق تمام اقشار را مراعات کرد من معتقدم که از زن و مرد و کوچک و بزرگ همه سربازانی واقعی و راستین برای این دولت نخواهند شد و ادامه دادند که در زمان حضرت محمد (ص) و حضرت علی (ع) موقعی که عدالت واقعی پیاده شد مشاهده کردیم که مردم آن زمان و افراد منصف و واقعی و منطقی آن زمان با تمام وجود خود سربازانی شدند برای پیشبرد هدفهای اسلامی و حکومت آنوقت. رنجبر: سرزمین خلق عرب خوزستان همانطور که اشاره فرمودید منطقه حساسی از لحاظ سیاسی و اقتصادی در کشور ماست و از طرف دیگر ناوگانهای آمریکا و شوروی تا زگیها در آبهای منطقه و خلیج مستقر گشته اند آیا حضرت آیت الله خطری احساس نمی کنند از لحاظ بیگانگان و تجار و زات؟ ... اولاً و قبل از هر چیز من از خداوند بزرگ می خواهم که این کشور را از خطر بیگانگان محفوظ نگه بدارد و ثانیاً اگر چنانچه وحدت کلمه و آزادی و حقوق خلقها در ایران

افغانستان:

مبارز افغانستان برامیرالیم روس و نوکرانش فاصله زیادی نمانده است. مادرزیرتنها چند نمونه از این مبارزات را ذکر میکنیم. مردم مبارز بلوک "خوست و فرنیگ" در اسفند ۱۳۵۸ مسلحانه بپا خاستند و صاحب منصب هواخواه روس و بییش از یکصد سرباز دولت را از پای در آوردند. در این مبارزه آنها از خانه و انبار اسلحه مبلغ ۴۵۰۰۰ یول افغانی موجود و تمام مسلسل ها و تفنگ ها را به غنیمت بردند. آنها بعلاوه از خانه بلوک دار و رئیس لیس به ترتیب مبلغ ۴۵۰۰۰ افغانی و ۱۵۰۰۰۰ افغانی مصادره نمودند. (قابل توجه است که ایندو نفر عضو حزب حاکم "خلق" بوده اند و در خانه شان بیشتر از خزانه شهر پول داشته اند.) هلیکوپترهای رژیم در تمام دهکده های منطقه شورشی اعلامیه های زیادی پخش کرده اند که در آنها بمردم اخطا ر کرده بودند در صورت دست نکشیدن از شورش و همکاری نمودن با حکومت وابسته تره کی، تمام منطقه "خوست و فرنیگ" را در ساعت ۸ صبح روز بعد با خاک یکسان خواهند نمود. رژیم جنایتکار تره کی بعد از ۸ روز با استفاده از نیروی هوایی و انتقال نیروهای کمکی و سلاحهای روسی زیبا دستاورد ظاهراً جنبش را خاموش نماید. در این جریان عده زیادی از مردم را "بجرم مبارزه گرفته اند، از جمله روحانی فقید منطقه را بنام "مولوی بعقوبه مزدوران رژیم تره کی در مقابل وی به زن و دخترش تجاوز کرده و در دهان خودش نیز از او را کردند. * در بلوک "قلعه گاه" اهالی شجاع و وطن پرست، در طی شورش خونین و مسلحانه خود ۲۰ نفر سرباز دولتی را با کلیه ای ما مورین حزب حاکم "خلق" به قتل رسانیدند. هم چنین بلوک دار منطقه را با جیب روسی اش به اسارت گرفته و زنده زنده پوست کثیفش را کردند.

* مردم مبارز بلوک "ناردره" در بی شورش و حملات مسلحانه شان به نیروهای دولتی، بلوک دار "ناردره" و تعداد زیادی از "خلق" های و طرفداران آنها در این دولتی را به قتل رسانیدند. در این منطقه نیز رژیم به حملات شدید هوایی دست زد ولی موفق به سرکوب شورش اهالی نشد. گویا تعداد بسیاری از مردم منطقه به "ناردره" که موقعیت پارتیزانی خوبی دارد آمده اند و خود را برای حملات جدیدی آماده میکنند. * دامنه مبارزه در افغانستان به ۲۶ ایالت از ۱۲۸ ایالت کشیده شده و دولت وابسته به روس نور محمد تره کی علیرغم حمایت روزافزون ابرقدرت روس قادر به سرکوب و جلوگیری از رشد این مبارزات نیست. * خبرگزاری فرانسه مینویسد: اوضاع در برخی از استانهای افغانستان که زد و خورد هائی متعدد میانی نیروهای منظم پرزیدنت محمد تره کی و شورشیان مسلمان روی داده است بحرانی است. دولت افغانستان در بخشنامه ای به کارمندان و زارتخانه های این کشور، خواستار رد و طلب برای جنگ با پاکستان شده است. افغانستان تا کنون چندین بار پاکستان را متهم کرده است که برای ایجاد اغتشاش با لباس غیرنظامی نیرو به افغانستان فرستاده است. رژیم تره کی همچنین تشکیل دادگاه های خلق را برای سرکوب شورشیان اعلام کرده است. از طرف دیگر گزارش سازمان مذهبی "حزب اسلامی" حاکیست که مجاهدین این سازمان موفق شده اند در روز ۱۲ ماه مه در جریان حمله به یک کاروان نظامی در نزدیکی "موشوکی" چند تن کاشناس نظامی شوروی را زنده دستگیر کنند. شورشیان همچنین اعلام کرده اند که در حمله های هفته گذشته به مراکز یا کاروانهای نظامی در منطقه پاکتیا تعدادی سلاح های ضد هوایی بدست آورده اند و به کمک همین سلاحها موفق شده اند از ۲۵

روسی از دستگاه کنترل هواپیما شنیده اند. این روزنامه اضافه میکند: در یک مصاحبه که با شخصی بنام منصور در پاکستان بتاریخ ۲۷ آوریل انجام شد، گفت: ۳۰۰ نفر از مردم ده او درده "گرهالی" نزدیک "کونار" مرکز استان اسداباد کشته شدند. او اضافه کرد: شب قبل مجاهدین به یک پایگاه نظامی حمله کرده و سه مشا و روس را کشتند. روز بعد ارتش با ۲۰۰ سرباز و پیچ مشا و روسی و چریکهای حزب خلق با لباس شخصی به ده آمدند، سربازان در منزل را زده و او خطا می کردند که مردم فرار کنند زیرا میخواهند آنها را بکشند. افراد ارتشی، مردم را در دو مسجد جمع کرده و زنان و بچه ها را به خانه فرستادند. سپس دست مردان را از پشت بستند. در بین افراد سربازانی بودند که در مرخصی بسر میبردند و به دستگیری خود اعتراض نموده و به پوتینهای خود اشاره میکردند. عده دیگری نیز کتارت عضویت در حزب خلق را نشان میدادند. ولی علیرغم اینها، همه را با مسلسل کلاشینکف کشتند. عده ای از سربازان ارتشی گریه میکردند. رژیم وطن فروش تره کی و اربابان روسی اش، برای "محق" جلوه دادن جنایات خود مبارزین را، ایرانها و پاکستانیهای با لباس مبدل معرفی میکنند و فکر میکنند میتوانند آنها را فکار مردم افغان را جنایاتی که به آنها روا میدارند متوجه خا رچ کنند. تهدید ابرقدرت روس به پاکستان در چند روز گذشته از همین مساله ناشی میشود و نوکرش نیز برای جنگ با پاکستان دا و طلب می پذیرد. واقعیت اینست که تا بحال چند ده هزار نفر از مردم افغانستان بخارج پناهنده شده اند (حدود ۸۵ هزار نفر به پاکستان) و این نشان دهنده بُعد سرکوب و اختناق است که خرس قطبی روسی و نوکرانش در افغانستان حاکم نموده اند. اما سوسیال امپریالیستهای روسی در مقابل خلق بپاخاسته افغانستان ببری کاغذی بییش نیستند. آینده افغانستان از آن خلقهای این کشور است نه تزارهای نوین کرملین نشین.



دروستاها

سیمانی از زندگی

روستانشینان لامرد

اگر از بخش خنج واقع در سیمد کیلومتری جنوب شیراز به طرف جنوب راه بیفتیم پس از طی دهها کیلومتر از میان کوههای خشک و بیابانهای برهوت، بالاخره صدها آبادی کوچک میرسیم که گنار در دامنه‌های کوه واقع شده و با فاصله‌های یک کیلومتر یا بیشتر از هم قرار گرفته‌اند. خانه‌های گلی روستائی چنان مینمایند که گوئی قوطیهای مکعب شکلی هستند که در بغل هم، کنار کوه چیده شده‌اند.

آب انبارها هزاران قورباغه شنا میکنند.

بهداشت تمام امکانات بهداشتی منطقه در چند درمانگاه محقر خلاصه میشود که در آنها بجز چند قلم داروهای اولیه چیز دیگری یافت نمیشود. درمانگاه لامرد یک کمک بهیار دارد که برای همه دردها فقط یک نوع دوا میدهد. تعداد مراجع کنندگان بحدی است که عده‌ای حتی نوبتشان هم نمیرسد. در این درمانگاه‌ها هیچگونه امکانات پانسمان و یا جراحی وجود ندارد. دکترها ما برای زنان نیست و هنوز زنان با ابتدائی‌ترین شکل زایمان میکنند و اکثر زایمانها ناقص بوده و به مرگ نوزاد و یا مادر آن و یا ضعف دائمی در منجر میشود.

کشا و رزی : در این منطقه هیچگونه آب چشمه یا روان ورودخانه طبیعی وجود ندارد و تمام آب آن به تلمبه‌ها خلاصه میشود که بر اثر پائین بودن سطح آب و نبودن امکانات چاه زنی، فاقد آب کافی بوده و تلمبه‌ها بعد از چند ساعتی کاربی آب میشوند و آبی که میماند بعلت شوری آن، برای کشا و رزی خوب نیست.

چند سال است که بر اثر وضع نامطلوب کشا و رزی و بالا رفتن هزینه زندگی ۷۰ تا ۸۰٪ همین تلمبه‌ها خوابیده و کسی نیست روی آنها کار کند و محصولات کشا و رزی که در حال حاضر کشت میشوند برای مصرف ۵٪ ساکنین منطقه هم کافی نیست و محصولات از قبیل پیاز، گوجه فرنگی، آرد، برنج و انواع و اقسام حبوبات و تره بار از شهر با قیمتی چندبرابر توسط دکانداران و ماشین‌داران وارد و بفروش میرسد.

دامپروری : هیچگونه دامداری وسیع و علمی و حساب شده وجود ندارد و تمام دامداری منطقه منحصر به

این منطقه از دوفلات تشکیل شده، یکی بلوک تراکمه که مرکز آن لامرد است و بنام بخش لامرد معروف است و از حدود ۲۰ پارچه ده تشکیل گردیده و حدود ۷۰ هزار نفر جمعیت دارد. فلات دیگر، علامرودشت است که تابع بخش لامرد بوده و پیش از یکصد پارچه ده و جمعیتی در حدود ۵۰ هزار نفر را تشکیل میدهد. این دو منطقه بوسیله یک رشته کوه بلند و صعب العبور از هم جدا میشوند. قسمت لامرد در جنوب قسمت علامرودشت در شمال کوه واقع شده‌اند. مذهب ۹۷٪ مردم این منطقه شیعه اثنی عشری و بقیه اهل تسنن و زبان آنان فارسی است.

از بخش جنوبی لامرد اگر بطرف شمال غربی راه بیفتیم پس از طی ۲۵ کیلومتر، به یک رشته کوه نسبتا بلند در قسمت شمال بر میخوریم که نخلستانی بطول ۲۵ کیلومتر در دامنه آن واقع شده و مردمانی که در کوهپایه‌های جنوب مقابل آن زندگی میکنند زحمتکشان این نخلستانها هستند. در اوایل مرداد ماه خرماهای این نخلستانها میرسد و صاحبان و کارگران نخلستانها با یکدیگر روبه‌را بردارند و بوسیله نخلستانها برونند و به جمع آوری محصول بپردازند. در گذشته نه چندان دور خرما نیمی از غذای

ما را معاش مردم پس از خشکسالیهای بی‌دری و قحطی، مردم راهی جز فرار ندیدند و در آن دوران، هزاران نفر از مردم راهی شهر نفتی آبادان و کشورهای خلیج فارس گشته و در آنجا ماندگار شدند، عده کمی هرگز برنگشتند

ولی اکثر ارتباطشان را با خانواده خود حفظ کردند. در حال حاضر زندگی ۹۸٪ مردم منطقه از همین طریق تا مین میسر شود و خانواده‌ای نیست که یک یا دو نفر یا بیشتر را در شیخ نشینهای خلیج فارس یا سایر شهرهای ایران نداشته باشد.

مبارزات : مردم اینجا از سالها قبل کشته با فقر و قحطی دست بگیرد و بیایان بوده‌اند، همواره با رژیم طاغوت مبارزه میکردند. شکل مبارزه در قدیم شکل مبارزه منفی با پایگاه و عوامل رژیم بوده و مردم جنگ‌های مسلحانه فراوانی را با اعمال رژیم بخاطر دارند. از شروع نهضت اخیر به رهبری امام خمینی، مردم آنجا از ابتدا با تشکیل اجتماعات و میتینگهای مختلف به افشای رژیم پرداخته و دست‌های عمالش را که بر تمام زندگی مردم حاکم بود از آنجا کوبیده کردند. جوانان در این راه نقش بسزای دارند و راهی را ایفاء کرده اند و همان ابتدای جنبش با تشکیل سازمان مخفی به نام "درا راه بیداری" و بخش‌های اعلامیه‌های دست‌نویس به افشای رژیم پرداخته و در این راه خیلی هم موفق شدند. حاصل آن یک شهید بود که در شیراز به هنگام اشغال شهریانی تیر خورد.

سواد و فرهنگ : از آنجا که مردم بر اثر اوضاع خاص منطقه به خارج فرار کرده و یا به شهرهای بزرگ پناهنده‌اند، این نزدیکی و ادغام خود بخود سطح آگاهی و سواد و فرهنگ مردم را بالا برده و با روستائیان مناطق دیگر فرق دارند. برای مثال، دهها نفر سطح سوادشان لیسانس و تحصیلات دانشگاهی است، صدها نفر دیپلم و معلم هستند و جوانان اکثر اسواد خواندن و نوشتن و نیمی از پیران هم سواد مکتبی دارند. اکثریت بی‌سوادان را زنان تشکیل میدهند.

خواستهای مردم : خواسته‌های مردم لامرد از استان در مرحله اول

به یاد شهدای

«رزمندگان راه آزادی طبقه کارگر»

شدند و توسط دژخیمان ساواک بوسیله سیانور به شهادت رسیدند. بمناسبت گرامی داشت مبارزه آنها جلسهای در روز نهم اردیبهشت ماه در دانشگاه تهران برگزار گردید.

جای آنها در میان خلق و پرولتاریا خالی است. اما جنبش نوین کمونیستی ایران در راه پیمائی طولانی خود همیشه یاد آنان را با مبارزه‌ی خویش زنده نگاه خواهد داشت.

تهرانی جلاد معروف ساواک در مصاحبه تلویزیونی خویش از بسیاری جنایات ساواک پرده برداشته در میان آنان که بدست دژخیمان پهلوی شهید گشتند، نام سه تن از اعضای گروه "رزمندگان آزادی طبقه کارگر" رفقا محمود وحیدی، سعید کردقراچورلو، محمدرضا کلانتری نیز توسط تهرانی اعدام شدند.

این سه انقلابی مارکسیست - لنینیست در اردیبهشت ۵۷ توسط مامورین رژیم پهلوی دستگیر

۹۰ کیلومتر راه آسفالت و آسفالته ریزی شده برای ارتباط با شهر است تا بتوانند در مواقع ضروری خود را بیک شهر آباد برسانند و جنس و بار را از آن ترور و احترام بدست بیاورند.

احیای کشا و رزی : برای اینکه بیکاران و کسالتیکه سالها در کنار کشا و رزی تجربه دارند بتوانند کار کنند و محصول بدست بیاورند، ابتدا حل مسئله آب و حفار چند چاه عمیق که آب را به سطح زمین بیاورد و کمکهای دیگر از طرف دولت برای احیای کشا و رزی که حداقلا نیاز ما به محتاج خود را تا مین نمایند و به شهر محتاج نباشند.

تهیه آب آشامیدنی سالم. * مشورت با مردم و حق تصمیم بوسیله خود اهالی : اگر بایست تصمیمی برای منطقه گرفته شود باید با مشورت خود مردم محل باشد و دیگران حق دخالت نداشته باشند تا با اتکال به نیروی خود و کمک دولت مرکزی به حل مسائل خود بپردازند.

خلع سلاح یا غیاب که با داشتن سلاح به فساد و نفاق افکنی در منطقه پرداخته‌اند.

تأمین بهداشت منطقه. * منطقه‌ای کردن آموزش و پرورش و تعیین معلمان و افراد اداری ده از بین اهالی محل که از خواستهای مردم آگاه باشند.

تلاش پیشروانه

که با مقاومت توده‌ها روبرو شد و مردم این دارو دسته را متفرق کردند.

دارو دسته کیانوری از قبیل تمام دیوارهای سفارت آمریکا را با شعارهای ضد آمریکائی پسر کرده بودند، اما تفاوت ماهیت مزدورانها با جنبش ضد امپریالیستی خلق و قتی روشنتر شد که مردم شعارهای آنان را تغییر دادند و از فقط ضد آمریکا بودن در آورده، آنها را ضد آمریکا و روسیه کردند. کلماتی که زیرشان خط کشیده شده آنهاست هستند که مردم به شعارهای کمیته مرکزی حزب توده و مدافع روسیه اضافه کرده‌اند. * مرگ بر امپریالیسم آمریکا، انگلستان و شوروی.

* هر چه مستحکم تر باد پیوند زحمتکشان جهان علیه امپریالیسم جهان خوار شوروی.

* مرگ بر جها خواران آمریکائی و شوروی.

* مرگ بر مزدوران کثیف آمریکائی و شوروی.

* تمامی قراردادهای نظامی اقتصادی ایران و آمریکا و شوروی باید لغو گردد.

تلاش مذبحخانه ۳ خرداد دارو دسته کیانوری با شکست مفتضحانه‌ای روبرو شد. آنها سعی کردند از جنبش اصیل ضد امپریالیسم

چندان دور خرمای نمی از غذای روستا فیان آنجا محسوب میشود کسی که پنجاه تا صدنخل داشت میتواندست گذشته از آذوقه یکسال خودمقداری از محصول را با جنسهای دیگر از قبیل گندم، جو، پاره و غیره تعویض کند و یا این اواخر با فروش آن کمک بزرگی به اقتصاد خانواده میکند.

شرایط زندگی در این منطقه

راه ارتباطی: راه ارتباطی شهر با منطقه لامرد عبارت است از کوره راهی که ماشینها با رفت و آمد خود در دل کوه و دزه و سنگلاخ باز کرده اند. راه چنان ناهموار و خطرناک است که ماشین قادر نیست با سرعت بیش از ۲۰ کیلومتر در ساعت حرکت کند و یک گردنه خطرناک هم سر راه است که ۱۵ کیلومتر طول دارد. این راهها یکی ۹۰ کیلومتر و دیگری ۲۰۰ کیلومتر تا راه اسفالت خنج فاصله دارند و در فصل بارندگی غیر قابل عبور میشوند. بارها اتفاق افتاده که سیل چند ماشین را با خود برده است. راههای ارتباطی بین صدها دهکده این منطقه خیلی بدتر و غیر قابل عبور تر میباشد. آب و برق: در اکثر دهات منطقه آب لوله کشی موجود است و در بعضی هم یک موتور برق چندواثی که تعدادی لامپ را میتواند روشن کند وجود دارد. این طرحهای کوچک اکثرًا بطور عمده با خودیاری مردم صورت گرفته و در حال حاضر جاهای آب و موتورهای برق در مالکیت بانیان آن (سرما یسه داران ده نشین) قرار دارد، طرحی که با پول مردم درست شده، مردم باید با زهم برای استفاده از آن ماهیانسه پول بپردازند، نه این موتورهای برق قادر است برق مورد نیاز مردم را تامین نماید و نه آب آن قابل آشامیدن است. آب آشامیدنی آنجا از آب انبارهایی تامین میشود که در زمستان از آب بیاران پر میشوند و تا تابستان میمانند، آب درون آب انبارها گاهی چنان کثیف و بدبو است که انسان نمیداند بخورد یا نه و گرمهای رنگارنگ درون آن وول میزنند و در یکی از

وسیع و عظیم و حسب سعه وجود دارد و تمام دامداری منطقه منحصر به نگرهاری حد اکثر چند بز و میش یا یک گاو میشود. آنهم در خانه ها نیکه امکان وجود دارد. با کمبود علوفه و آب، پرورش دام بسیار مشکل است. تمام دام یک دهه ۶۰۰ نفری بیشتر از صد و پنجاه تا دویست بز و میش و حیوانات بیست گاو نمیشود.

تولید و صنعت: بعد از نابودی کشاورزی و از اهمیت افتادن آن بیشتر خریده مالکان یا کسانی که از همان ابتداء دستشان به دهان نشان میرسیده، در زمینه وارد کردن کالاهای ساخته شده صنعتی و کشاورزی به فعالیت مشغول شده اند. بطور مثال: در دهه حسین آباد خسروی که در ۲ کیلومتری مرکز لامرد واقع شده و جمعیت آن در حدود هزار نفر است، تمرکز کار و صنعت و واردات اجناس بحدیست که برای چندین دهه کافیت و بازاری در گردهات راهم جلب میکند.

در این دهه کارگاه آهنگری و دروینجره سازی وجود دارد که هر کدام مال یک نفر است و اکثرًا خانوادگی روی آن کار میکنند. با اضافه سه کارگاه نجاری و دروینجره سازی که در مالکیت یک نفر است و سه مرکز مهم واردات آهن و ابزار فلزی و وسائل منزل که بزرگترین مراکز واردات منطقه هستند و از نظر اقتصادی وضعیتشان از دیگران بهتر است.

بازارهای این دهه تا شعاع زیادی بازارهای اطراف را می پوشاند. تمام این کارگاهها و دهکده ها مال کسانی است که در قدیم یا دهقانان مرفه، یا کدخدایان رئیس بوده و اکنون با عوض شدن وضع به دلال فروش کالاهای ساخته شده کارخانه های شهر تبدیل شده اند. قبل از این، تولیدات بومی هم وجود داشته که بر اثر عدم رسیدگی و ورود کالاهای خارجی از بین رفته اند. از قبیل انواع و اقسام ظروف ساخته شده از الیاف نخل و طنابهای کوه از الیاف درخت نخل میبافند و اقسام بافندگی از پشم و موی بز و کوره های دستی ذوب فلز و شکل دادن فلزات بصورت بیل، داس، تبر،



گوشه ای از راه پیمایی دهقانان روستاهای "کیا کلا" در قاشم شهر (شرح در "رنجر" شماره ۹)

بهبود وضع زحمتکشان

حقوق اخراجی خود و سازمان مرکزی شرکت بست نشینند. تعداد این گروه از کارگران اخراجی ۴۰۰ تن میرسد. کارگران اخراجی شرکت ساختمانی سافری تکنیک که از دیماه ۵۷ از شرکت اخراج شده اند، در مراجعه به وزارت کار خواستار رسیدگی هر چه زودتر به مشکلاتشان و پرداخت حق بیکاری و دیگر حقوق خفه خود هستند.

(۱۱) کارفرمای چاپخانه "زر" که تصمیم به بیکار کردن کارگران و فروش وسائل چاپخانه گرفته است؛ کارگران چاپخانه، در مراجعه به وزارت کار با جواب سربالای مسئولان روبرو شده اند...

(۱۲) کارکنان شرکت کشتیرانی آریا در بندرعباس بعنوان اعتراض به رئیس شرکت و وجود کارکنان خارجی در این شرکت دست به تاختن زده اند.

کارگران که ستون اصلی انقلاب را تشکیل میدهند و در تمام دوران سلطه حکومت فاشیستی شاه، آنی از مبارزه با زنا یستاده اند و در این راه قربانیهای فراوان داده

و در به ثمر رساندن انقلاب نقش مهمی را ایفا کرده اند. منتظران دارند که دولت موقت انقلابی مسائل و مشکلات آنها را حل نماید. توجه به این مسائل و مشکلات و برخورد صحیح به آنها، میتواند به تعمیق انقلاب، حفظ دستاوردهای آن و تحکیم اساس وحدت ملی کمک نماید. هرگونه برخورد غیر منطقی به این مسائل، سرپوش گذاشتن روی آنها و یا عدم کوشش جدی برای حل صحیح آن، نتیجه و ثمری جز ایجاد روحیه بی تفاوتی، نارضایتی در کارگران ما و در نتیجه تضعیف انقلاب نخواهد داشت. باید توجه داشت که هر جا مساله حل نشده ای هست، تحریک سوجدویان سیاسی موثر واقع میشود. اگر به مسائل و خواسته های بحق کارگران ما توجه دقیق و فوری نشود و هر صدای حق طلبی آنان سرکوب گردد، میتوان انتظار داشت که: اولاً، زمینه برای تحریک و بی نظمی در واحدهای تولیدی موجود بسرعت افزایش یابد و ثانیاً، کارگران که بخش عظیمی از نیروهای خلقی را تشکیل میدهند،

روبروشد. آنها سعی کردند تا از جنبش اصیل ضد امپریالیسم آمریکا سوء استفاده کرده و خود را در صف خلق جا بزنند، در افکار عمومی برای "یکی" نشان دادن خود و احزاب ملی و انقلابی زمینه سازی کنند و اینطور وانمود کنند که جنبش اصیل ضد امپریالیستی ما فقط ضد آمریکائی است نه ضد و ابر قدرت و تمام امپریالیستها. دارودسته کیانوری فقط بوی کباب مبارزه ضد امپریالیسم آمریکا را شنیدند و نمیدانستند که جنبش خلق، ضد تمام امپریالیستها (آمریکائی و روسی) است و خردا غمی کند.

نشانی دفتر رنجبر
تهران - خیابان مصدق
پائین تر از امیر اکرم - کوی گودرز
پلاک ۱۶ - تلفن ۶۶۰۵۱۹
نشانی پستی رنجبر - تهران
صندوق پستی ۱۴۰۱ - ۳۱۴

بسادگی از دولت انقلابی سرخورد ه شوند و از این طریق، دولت انقلابی یکی از پایگاههای مهم خلقی خود را از دست بدهد. واضح است که این امر به نوبه خود سبب تشدید کم کاری و شیوع و گسترش اعتصابات تحصن ها و ... و ... خواهد گردید و این، بهترین زمینه را برای رشد نفوذ عوامل امپریالیسم و سوسیال - امپریالیسم در ایران فراهم خواهد نمود. تا مین عدالت اجتماعی، بویژه رفاه زحمتکشان، از پایه های اساسی تقویت استقلال کشور است. عناصر ارتجاعی، سودجو و بی تنگ نظری که تنها منافع محدود خود را به قیمت استئصال رشد زحمتکشان در درجه اول اهمیت قرار میدهند در واقع دانسته یا ندانسته در جهت ضربه زدن به انقلاب و تضعیف دولت موقت انقلابی عمل مینمایند.



نامه يك کارگر

خائنین کشور و ضد انقلابیون از ما سوء استفاده کنند - در جواب کارگران گفتند. بنا بر این (تصمیم) این شد که اعتصاب را بشکنیم ولی نماینده ای تشکیل بدهیم. همه ی کارگران قبول کرده و به سرکارهای خود برگشتند... چون این اعتصاب بگوش وزارت کار هم رسیده بود و نماینده همه وزارت کار رفته بود ۴۰ درصد حقوق کارگران این کارخانه اضافه شد. ولی چون اربابان این کارخانه آنها را نقد در دوران طاغوتی زور گرفته اند هر کس از حق دفاع کرده از کار بیرون کرده اند - حالا هم همین کار را انجام میدهند. باز زور میگویند... اینها خیال میکنند که انقلاب نشده، این همه جوان دادیم و خون دادیم که اربابان حقمان را نخورند و حق ما کارگران را بخارج کشور ببرند... آقای دولت با زرگان شما خیال نکنید که ما کارگران زحمتکش این کارخانه ها اعتصاب میکنیم که چرخ اقتصاد کشورمان براه نیفتد - نه اینطور نیست... این کارگران با خودشان میگفتند که چطوری میشود که ما کارگران زحمت بکشیم و دستهایمان پینه بگذاریم و دولتی سودش را این چنین سرمایه داران به خارج از کشور بیاورند و بیا برای تفریح ببرند. بخاطر این کارها همه ی کارگران رو به اعتصاب آورده اند و خواسته هایشان را میخواهند...:

- ۱- بالا رفتن حقوقشان و بیمه شدن تمام کارگران در بیمه خدمات درمانی.
- ۲- رسیدگی به وضع بهداشت کارگران.
- ۳- نصب کردن صندوقهای پستی در ۴ منطقه محمودآباد با دبیر کارخانه های.
- ۴- فروشگاه عمومی در منطقه محمودآباد.
- ۵- درمانگاه عمومی کارگران.
- ۶- ایجاد کارگاههای آموزشی برای کارگریکار.

به خواستهای کارگران

که از گرسنگی نجات پیدا کنند. یکی از کارگران سؤال کرد چطور آقای لاجوردی صاحب شرکت که این همه کارخانه دارد پول ندارد حقوق کارگران یک معدنش را بدهد و سؤال کرد که اگر پولی در بساط نیست که به کارگران بدهند چرا مهندسین آمریکائی شرکت باز دارند سرکار بر میگردند؟ بعد از مدتی بحث کارگران تصمیم گرفتند تا روز شنبه ۵ خرداد به شرکت وقت بدهند تا بودجه حقوق آنان را تامین کنند.

روز چهارشنبه ۲ خرداد در حدود ساعت ۱۰ صبح چند تن از افراد کمیته شهری در حالیکه اسلحه های آماده خود را بدست گرفته بودند به محل کارخانه آمدند و تا پایان کار کارخانه در جلوسرویس ها ایستادند. وقتی که کارگران میخواستند محل کارخانه را ترک کنند مسئولین شرکت حکم اخراج نماینده ی کارگران و ۴ نفر دیگر را بآنها دادند.

روز شنبه ۵ خرداد ساعت ۸ صبح کارگران کارخانه در محل غذاخوری جمع شدند و خواستار بازگشت ۵ نفر همکاران اخراجی خود به سرکار شدند. در این موقع مهندس مدیر عملیات معدن به محل تجمع کارگران آمد و گفت که ولیا شرکت کارگران مزبور را بجزیم "افتشاش"، "گم کاری" و "تحریک کارگران دیگر" و "غیبت غیرموجه" اخراج کرده اند. او اضافه کرد که تجمع کارگران هیچ فایده ای نخواهد داشت چون مدیرعامل شرکت حکم اخراج کارگران را با مضاء مهندس بازرگان، داریوش فروهر رئیس کمیته امام شهرری رسانیده است. بعد هم بالحنی تهدید آمیز گفت که بهتر است، کارگران دیگر هم اگر نمیخواهند بهمان سرنوشت دچار شوند بلافاصله بسرکار خود بروند. کارگران شرکت که در آن حرفهای مدیر عملیات معدن گنج شده بودند بآبی میلی بسرکار برگشتند و کسی دل بکار نمیداد و خواسته ی ناخواسته مشغول کم کاری شدند. این برخوردهای نادرست بکارگران ستم دیده و زحمتکش ما با، چیست؟ ما سهاله میکنیم آیا

مبارزه کارگران

کارگران عوامل کارفرما و سندیکای فرمایشی قبلی، در این شورا دودستگی ایجاد کرده و با علم کردن پرچم ضد کمونیستی میخواستند منافع کارفرما را حفظ کنند و در کارشورا اخلاص نمایند. این عوامل تلاش دارند تا با فریفتن کمیته امام، آنها را تحریک کرده تا عده ای از کارگران را اخراج نمایند.

این نمونه دیگری از وضع عمومی است. پس از پیروزی انقلاب، عده ای از کارفرمایان وابسته و ضد کارگری تلاش دارند تا به شکلهای مختلف، همانند دوران طاغوت کارگران را بی حقوق و برده نگاه دارند. آنها بجای سرآوردن خواستهای بحق کارگران، آنها را بسوی دولت می تاوانند تا هم از سر خود واکنش دولت را درگیر مسائل بیشتری نمایند، یا زیر پرچم ضد کمونیستی به کارگران مبارز بر حسب می چسباندند تا کمیته های امام را علیه کارگران تحریک کنند. ضمناً اینگونه افراد منبع شایعات علیه انقلاب و دولت ملی و هزارویک خرابکاری دیگر نیز میباشند.

ما معتقدیم کارگران باید وسیعترین جبهه متحد را علیه این عوامل ضد کارگری ایجاد کنند، با توده های کارگر، با کارمندان اداری و فنی ملی، با افراد صالح کمیته امام و دولت متحد شوند تا مشتی عوامل سر سخت ضد کارگری نتوانند میان آنان تفرقه انداخته و با توطئه آنان را از کار اخراج کنند.

ما ضمن پشتیبانی از خواستهای بحق کارگران ما شین سازی پارس، اعلامیه گروهی از کارگران این کارخانه را در زیر درج میکنیم. اعلامیه:

برادران کارگر!
هر روز بشکلی دست خدا انقلاب از آستین بیرون میاید و سعی در توطئه علیه انقلاب ملی - اسلامی ما مینمایید و میخواهد که با تمام توانش آنرا نابود سازد، در طی دوران مبارزه علیه رژیم منفور پهلوی، طبق دستور امام هروقت که ما دست به اعتصاب میزدیم همانطور که خود را هدیه بودید اکثریت نمایندگان سندیکای ما...

تخصن کارگران

و وعیدهای بسیار و بمسخره گرفتن زندگی و زیر پا گذاشتن رفاه مان تصمیم گرفتیم امروز بعد از ۵۴ روز بی حقوقی و بی پولی در ساختمان شرکت به تخصن بنشینیم. ما کارگران به تخصن مینشینیم تا بحقوق از دست رفته خود که ملاقا نونی بوده و از آن محروم مانده ایم دست یابیم. ما به تخصن می نشینیم تا بتوانیم از دست آورده های این انقلاب که با خون صدها هزار شهید بدست آمده حفاظت کنیم و نگذاریم افرادی مطابق میل و خواستهای شخصی خود آنرا به عقب برگردانند. ما میخواهیم حافظ دستاوردهای این انقلاب که به رهبری امام خمینی صورت گرفته با شیم.

خواست اصلی ما همانطوریکه در اعلامیه ونامه های متعددی آور شدیم اضافه حقوق ۷۵۰۰ ریالی میباشد که سه ماه آنرا برداشت کردند و بعد آنرا قطع نمودند. چه کسی میتواند ادعا کند که حقوق روزی ۳۵ تومان کفایت یک خانواده با ۷ سر عائله را میکند؟ از زمانی که این ۷۵۰ تومان را قطع کردند تمام کارگران زیر بدهکاریهایی سنگین رفته اند. این بدهکاریهایی از خوراک و پوشاک گرفته تا درمان مریضی و دارو ادا نمیشود کرده است.

خواست های ما

- ۱- پرداخت فوری ۷۵۰۰ ریال اضافه حقوق طبق بخشنامه بدون تبعیض قائل شدن.
- ۲- پرداخت حق مسکن - حق اولاد - حق خواب را به عقب افتاده وغیره.
- ۳- پرداخت حقوق مساوی بین کارگران زن و مرد.
- ۴- معلوم کردن شغل سازمانی برای هر کارگر (در این شرکت هر کارگر چند شغل دارد).
- ۵- تهیه دفترچه بیمه خدمات درمانی برای کارگران بدون استثنا.
- ۶- برکناری ضمیری (رئیس شرکت) بعنوان شخص پائین کننده و اجاف کننده در حق کارگران.
- ۷- و با تضام کلیه خواستهای که کارگران این شرکت در ساری، قائم شهر، چالوس خواستار آنند، ما پشتیبانی میکنیم و خواست ما هم هست.

کارگران شرکت سها...

بهبود وضع زحمتکشان

پنجشنبه ۳ خرداد، افراد مسلح کمیته مستقر وزارت کار به کارگران متحصن حمله کرده و پس از شکستن در و مضروب کردن چند تن از کارگران، محل را ترک کردند. این افراد قصد بردن عامل کارفرما را داشتند که چهار روز قبل از آن در حالیکه قصد خراج کردن تعدادی پرونده را از شرکت داشت توسط کارگران با زداشت شده بود.

داستان دستور داده بود که هیچ پرونده ای نبا پیدا از شرکت خارج شود.

کارگران شرکت "تهران کمیکال" (معدن سولفات)، خواستار حق ۳ ساعت رفت و آمد از کارخانه به شهر، تامین آب تصفیه و بر خورداری از مزایای خاص معادن در مقابل خطر بیمه ریه های ناشی از مواد شیمیائی هستند. عکس العمل کارفرما، عدم پرداخت حقوق اردیبهشت ماه و اخراج ۵ تن از کارمندان و کارگران (۲ تن از نمایندگان کارگران) بوده، هنگام تجمع کارگران برای مطالبه حقوق خود، کارفرما از وجود افراد مسلح کمیته برای ایجاد ارباب استفاده کرده است.

کارگران شرکت سد سازی ریمیر جیلوکه مشغول ساختن سد از واقع در ۸۵ کیلومتری تهران در جاده هراز - بوده اند، در پی عدم اجرای تعهد کارفرما برای ادا مه کار، در محل دفتر مرکزی شرکت دست به تحصن زده و خواستار سر گرفته شدن کارساختمان شدند. چهار رچوب منافع ملی هستند. کارگران خواستار بر کار گرفته شدن متخصصین و کارگران ماهر ایرانی تا حد ممکن و رفع تبعیض بین کارگران ایرانی و خارجی در مورد مسئله تغذیه، حق مسکن، سرویس ایاب و ذهاب و تعطیلی و استفاده از پزشک و... هستند.

کارگران شرکت بهمنشیر ساری (وابسته به صنایع چوب و کاغذ ما زنداران)، پس از بازگشت مراجعه به اداره کار، استاندار و کمیته، جهت دریافت حقوق معوقه خود و بی نتیجه ماندن این اقدامات، در محل استاندار و زنداران دست به تحصن زده و خواستار رسیدگی به وضع خود شدند.

۶- در مانگاه عمومی خازران.
۷- ایجاد کارگاه های آموزشی برای کارگریها.
۸- از زمین بردن سرمایه داران اجنبی ...

تراکتورسازی تبریز

اما این وضع بحرانی بزودی از میان رفت. کارکنان کارخانه جبهه متحدی تشکیل داده و راه مناسبی برای حل مسائل تراکتورسازی یافتند. این راه حل مناسب، تشکیل شوراهای کارگران و کارکنان سطوح مختلف بود. آنها ابتدا در انتخاباتی که کلیه کارگران، تکنیسین ها و مهندسی در آن شرکت داشتند، یک شورای وسیع مرکب از ۲۵ نفر انتخاب کردند. مسئولیت و وظیفه این شورای وسیع، نظارت بر کلیه بخشهای تولیدی کارخانه و رسیدگی به تمام مسائل تولیدی، معیشتی و سیاسی است. از میان افراد این شورا نیز تعدادی از مهندسی و تکنیسین های با سابقه انتخاب شده اند. که مقام رهبری شورای وسیع را دارند و بالاخره در بالاترین سطح، چهار نفر از مهندسی که در چهار بخش کارخانه کار میکنند انتخاب شده اند که وظیفه سرپرستی کارها را در این چهار بخش به عهده دارند. این گروه چهار نفری متحداً نقش مدیرعامل کارخانه را به عهده گرفته اند.

شوراهای انتخابی کارگران و کارمندان تراکتورسازی تبریز در ابتدا جنبه رسمی نداشتند ولی طولی نکشید که شوراهای قدرت را بدست گرفتند. معاون مدیرعامل شرکت که هنوز هم بر سر کار باقی مانده بود بزودی اخراج شد. از او نامه ای بدست آمد که در آن از فرماندار نظامی معدوم تبریز (بیدآبادی) تقاضا کرده بود سایرین خود را برای سرکوبی کارگران بکارخانه بفرستد. در نتیجه همین نامه بود که ما مورین حکومت نظامی در زمان حکومت شاه خائن به کارخانه ریختند. بعد از کشف این نامه، معاون مدیرعامل و برادر او و تمام قوم و خویشهایش که در کارخانه مشغول کار بودند اخراج شدند.

این برخورد های نادرست بکارگران ستمدیده و زحمتکش ما برای چیست؟ ما سؤال میکنیم آیا بکارگرانی که فقط خواستار دریافت مزدنا چیز ما میانه شان هستند باید اینطور رفتار کرد؟ کارگران مبارز ما را تحت عنوان "اغتشاشگر" و تحریک کننده" کارگران دیگر اخراج میکنند. ولی آیا اغتشاش گرو واقعی همانهایی نیستند که بجای جوابگوئی به خواستهای بحق کارگران نخست وزیر را و وزیر کار دولت موقت انقلابی را متهم میکنند که در اخراج کارگران که سعی میکنند تا کارگران مبارز ما را به دولتی که برای ایجادش اینهمه کشته داده اند بدبین نمایند؟ ما از خواستهای بحق کارگران شرکت تهران - کمیکال پشتیبانی میکنیم و از دولت آقای مهندس بازرگان خواستاریم که هر چه زودتر بخواستهای این کارگران رسیدگی نمایند.

پس از این پاکسازی، ما مورین عالیرتبه ساواک که هنوز هم بر سر کار بودند (مانند پاپوس چی و دیگران) اخراج شدند و مدیرعامل کارخانه نیز از کار برکنار شد. کلیه این افراد، ممنوع الورد بکارخانه شده اند و دیگر حق حضور در آنجا را هم ندارند.

شوراهای بعد از اینکه قدرت خود را تثبیت کردند، کار در نظارت را که رابط میان کارخانه و پیمانکاران هستند و بلا تکلیف مانده بودند موقتاً به استخدام کارخانه درآوردند تا بعداً تکلیفشان روشن شود. اکنون چرخهای تولیدی کارخانه بکار افتاده اند و در نظر دارد بزودی دست به استخدام تعدادی کارگر و تکنیسین بزند و بدین طریق کار در کارکنان کارخانه را تکمیل نماید.

ما این تجربه ای موفق را به کلیه کارگران و کارکنان تراکتورسازی تبریز تبریک می گوئیم و معتقدیم که شوراهای متحد کارگران، کارکنان و مدیریست ملی (در کارخانه هایی که وجود دارد) راه حل درستی برای پیشبرد تولید کارخانه، پاکسازی کارخانه، تقویت اقتصاد ملی و تامین رفاه زحمتکشان است.

ما دست به اعتصاب میزدیم. همایون که خود را هدیه دیدار کثرت نما بیندگان سندیکای فرما پیشی کارگران همراه با نماینده کارفرما سعی در فرونشاندن اعتصابات مینمودند و در این راه از هیچ خوش رقصی خودداری نمی نمودند و کلیه حقوق حقه ما را نادیده می گرفتند. بعد از آنکه انقلاب به رهبری امام خمینی به پیروزی رسید این عوامل سرسپرده همچنان به توطئه های ضد کارگری خود ادامه دادند و سعی کردند سندیکای سابق را به همان وضع حفظ نمایند و با ایمال کردن حقوق حقه کارگران به انقلاب مالطمه وارد آورند. اینها حتی سعی نمودند که در انتخابات شورای کارخانه را با نجا بکشند که تعطیل شده یا یک سندبسیار روشن از خیانت های این دارودسته را نشان میدهیم: در زمانیکه سود کارخانه را ما بین ما تقسیم میکردند نمایندگان کارفرما و اکثریت نمایندگان کارگران با تغییر ضرایب سود کاری کردند که اکثریت سودنا چیزی ببرد و اقلیت کمی که شامل بعضی استادکاران و مدیران میشد مبلغ هنگفتی سود ببرند، همایون که میدانید این سند تسلیم شورای کارخانه شده است. بر ما ست که از شورا پشتیبانی نمائیم و این خائنین به انقلاب را از صفوف خود طرد کنیم.

به پشتیبانی از شورای کارخانه برخیزیم زنده باد همبستگی کارگران ایران گروهی از کارگران ماشین سازی پارس

گفتگونی با

تختخواب زیر میز و شب روی میز روزها فی که با دو خاک و توفان باشد که ملاد را هوا از اکثر روزها بدینگونه میگذرد در روزنامه فروشها بنان شب محتاج چند چون هیچکس بیرون نمیاید که از دگر روزنامه بخرد. در ضمن در تهران برای فروش روزنامه ۴ ریال و دهشاهی میدهند در صورتی که در هوا زدور بیال و دهشاهی. آقایان نمازی و کیا نیورا اضافه کردند که اتحادیه ای روزنامه - فروشان خوزستان که از طرف کمیته

کارگران شرکت سها مسی خدمات و جنگلها و مرا تسیح گرگان ۰۱۳۵۸/۲/۲۳

شکایت نامه کارگران

و با ایمان ما نند آقای سید کمال تقوی (روحانی) هستند. از طرف دیگر نماینده کارگران که مورد اطمینان کارکنان میباشد از شرکت اخراج شده است. این کارگر اخراجی اظهار رسیدار دگر کارفرما با بیرون کردن او قصد دارد که جریان اعتراضی را هانداخته، کارگران را وادار به اعتصاب نموده و کارخانه را از کار ببندد و در این میان اداره کار را هوار با اخراج نماینده کارگران آقای محمد رشید مخالفت کرده و نامه رسمی مبنی بر بازگرداندن او بر کار نوشته است.

ما از خواست برحق کارگران شرکت ایران شلکات پشتیبانی میکنیم و از آنجا که طبقه طبقاتی اظهارات کارگران و نماینده ای آنها چندتن از مسئولین با صلاح عالیرتبه ای کارخانه افرا دی هستند که به اشکال مختلف در راه انقلاب اخلال میکنند باقی ماندن چنین افرادی بسودا انقلاب نیست مصرا نه خواستاریم که هیئتی از طرف دولت و مسئولین انقلاب به کارخانه اعزام شده و به خواستهای بحق کارگران و وضع کارخانه رسیدگی نماید.

امام نیز بر رسمیت شناخته شده است در حال حاضر کلیه روزنامه فروشهای اهواز را که ۸ نفر هستند، در بر میگرد و دومین اتحادیه ای روزنامه فروشان است که در ایران تشکیل شده است (اولین اتحادیه روزنامه فروشان در تهران قبل از انقلاب تشکیل شده بود) و اضافه نمودند که: دفتر اتحادیه، در حال حاضر توسط آقای بودا غیان در اختیار گذاشته شده که موقتی است و با توجه به فقر صنف روزنامه فروش، ما قادر به اجاره ای محلی برای اتحادیه نخواهیم بود. اعضای اتحادیه، نامه ها

ما زندران دست به تحصن زده و خواستار رسیدگی به وضع خود شدند. (۶) اعتصاب کارگران پیما نگر ری "ایران ترمینال" بندر خرمشهر ادامه دارد. کارگران خواستار برکناری پیما نگر مربوطه و قرار گرفتن زیر پوشش سازمان بنادر و کشتیرانی و قوانین استخدامی دولت هستند. تعطیل بندر، روزانه حدود ۱۰ میلیون تومان زیان به بار میآورد. (۷) کارکنان شرکت کدک که از سه هفته پیش در حال اعتصاب بسر میبرند، خواهان مشارکت کارکنان ایرانی در نحوه کار شرکت است. تعدیل حقوقها بر مبنای ضوابط جدید که با نظر کارکنان شرکت مطرح گردد، اخراج کارکنان غیر ضروری خارجی و گماردن کارکنان ایرانی بجای آنها و تامین ضمانت اجرایی جهت خواستهای خود هستند.

(۸) کارگران تعمیر کار شرکت ا.ا.گ، به عنوان اعتراض به اخراج ۳۱ تن از کارگران در محل شرکت بست نشستند. (۹) گروهی از کارگران شرکت فرانسوی - ایرانی انترپوز، به منظور اعتراض به عدم پرداخت بقیه در صفحه پنجم

خوزستان در حال حاضر دو خواست اصلی دارند: (۱) روزنامه فروشهای دستی جمع آوری شوند و اگر لازم باشد طریق اتحادیه روزنامه فروش می کنند. روزنامه های بزرگ روزانه هم باید در این امر همکاری کنند. (۲) دولت مکانی در اختیار اتحادیه روزنامه فروشان خوزستان قرار بدهد که مرکز این اتحادیه باشد.

اتحادیه هم اکنون مشغول تهیه اساسنامه خود است و قرار است با استاندار، خوزستان نیز ملاقات کند. ما موفقیت های بیشتری را برای اتحادیه جهت خدمت به روزنامه فروشان زحمتکش خوزستان خواهیم. (در ضمن اسامی دوتن از اعضای هیئت مدیره منتشره در رنجبر - ۹ بدینوسیله تصحیح میگردد: آقایان حدیدکیا نیور و غلام حسین نعلیان)

رنجبر و خوانندگان

دوستی بنام علی - ک ازخوی برای یا چنین مینویسد:

با درودهای گرم و روزمننده امیدوارم که در مبارزه ضد امپریالیستی و دموکراتیکتان موفق و پیروز باشید. به نظر من رنجبر تنها نشریه ایست که در مسیر انقلاب ضد امپریالیستی و ضدفاشیستی خلقهای ایران حرکت میکند و بر علیه هرگونه توطئه ها و عوامل مغرب و انحرافات مبارزه کرده و مردم را در ادامه مبارزه با طرز استقلال و آزادی و عدالت اجتماعی به وحدت دعوت میکند... مسئله دیگری که هست اینکه ما در ضمن پشتیبانی از دولت انقلابی از مسائلی اشتباهی و احیاناً خلاف دولت انتقاد میکنیم و معتقدیم که انتقاد منشاء سازندگی است.

... مسئله ای که برای خود من قابل انتقاد هست مسئله مهاجرت ایرانیان مقیم شوروی به ایران است. بطوریکه میدانیم با قدرت شوروی هر جا که نتوانست مستقیماً دخالت و تاج و زنا بدویاز طریق اقتصادی و سیاسی و نظامی وارد کار شود، به ستون پنجم خود متوسل میشود. مهاجرت "ایرانیان" مقیم شوروی نیز حربه ایست که سوسیال امپریالیسم روس به نفع خود از آن استفاده میکند و نیز میدانیم که این آقایان ایرانی لیگستایی مثل کیا نوری ها هستند که تا عمر دارند نسبت به ارباب وفادار خواهند ماند. دولت شوروی صارداتی از این قماش را بدولت اسرائیل نیز کرده است و چندین هزار یهودی مقیم شوروی را به اسرائیل صادر کرده است.

هیئت تحریریه محترم رنجبر چون من این مسئله را بنا بر تجزیه و تحلیل خودم خطری برای استقلال ایران و یک حربه سوسیال امپریالیسم روس با طرز نفوذ بیشتر در ایران و تقویت "جبهه متحد خلق" حزب توده، عامل داخلی اش و نیز ضربه ای به وحدت خلقهای ایران میدانم، لذا خواهشمندم که روی این مسئله تجزیه و تحلیل نموده و به دولت انتقاد کرده و از دولست بخواهید که متوجه کاری که میکند باشد.

ما را در حل مشکلات مالی یاری کنید

کمک مالی خوانندگان، نقش موثری در ادامه کار ما دارد. مشکلات مالی ما زیادند و بدون یاری تک تک خوانندگان، این مشکلات از میان برداشته نخواهند شد. هر کس که "رنجبر" را نشریهی خودش میداند و وظیفه دارد در خدمتوانائی اش به آن کمک کند، سیاست ما اتکاف به نیروی لایزال مردم است و بهمین خاطر مشکلاتمان را با شما در میان میگذاریم و مطمئنیم که با شما و همراه شما آنها را یک بیک حل خواهیم کرد. در انتظار یاری سخی مثبت شما هستیم.

"رنجبر" نشریه ایست در خدمت توده های وسیع خلق، ملهم از نظرات، پیشنهادات و عقاید مردم و بتکی بر توان لایزال، همکاری نزدیک و کمک بی دریغ شما اگر "رنجبر" بر چنین پشتوانه پر توانی متکی نبود، هرگز در قباله به این کوتاهی نمیتوانست جای خود را در میان شما بگذراند، پیشرفت و رشد سریع "رنجبر" مرهون استقبال، تشویق و کمکهای شماست ما با زحمتهای سازنده شما را صمیمانه میفشاریم. در هر کجا که هستید، شهری یا روستا، کارخانه یا مزرعه، سر یا زخانه یا دانشگاه مسجد و یا بازار، برای ما اخبار و گزارش، مقاله و مطلب و عکس بفرستید. ما در مورفتی "رنجبر" ما تند صفحه بندی، تصحیح، طراحی نقاشی و کاریکاتور، عکاسی و غیره هم احتیاجات فراوانی داریم. ما را در این زمینه ها نیز یاری کنید، از شهرها و روستاهای متعددی اطلاع میدهند که "رنجبر" بدستمان نمیرسد، از این رو در بخش هر چه وسعتتر "رنجبر" با ما همکاری کنید انتقادات، پیشنهادات و عقاید خود را با ما در میان بگذارید و باز هم مثل همیشه سهم بیشتری از بار سنگین مالی ما را بعهده بگیرید. "رنجبر" تنها با تکیه به شما و بر خورداری از کمک هاییتان میتواند نماینده راستین رنجبران باشد.

شوروی...

آنوقت وضع طبقه ی کارگر شوروی چطور است؟ طبق گفته ی خبرگزاری تاس در پانز سال ۱۳۵۳ در شوروی ۲۵ میلیون نفر گرفتار فقر مالی بوده اند یعنی حتی با اندازه ی حداقل مخارج زندگی شان هم پول نداشته اند. تا زه این رقم را خود دولت شوروی داده و با احتمال زیاد تعداد این افراد خیلی بیش از اینها بوده است. بنا بر اعتراف روزنامه های خود شوروی، حداقل یک پنجم مردم این کشور یعنی در حدود ۵۰ میلیون نفر در فقر و فاقه زندگی میکنند. بعضی ها میپرسند که چطور میشود در کشوری که دهها سال سوسیالیستی بوده چنین چیزی اتفاق بیافتد؟ جوابش خیلی ساده است و بر میگرده به تغییراتی که در روشف و بعد از او کا سیگین و برژنف در شوروی انجام داده و تحت نام "سیستم نوین" اقتصاد را بر ما به داری را در شوروی برقرار کردند. خلاصه ی حرف برژنف و کا سیگین این بود که برای پیشرفت اقتصاد کشور با یدیا به تولید را بر سود جوئی گذاشت و برای بدست آوردن سود بیشتر به مدیران صنعتی و متخصصین آزادی عمل داد. بنا بر این آمدند از یک طرف حقوق مدیران و متخصصین را از زیاده کردند و آنها را در سود کارخانه ها هم شریک نمودند و از طرف دیگر به مدیران اختیارات تقریباً نامحدود دادند. اینها باعث شد که درآمد این آدمها چنان زیاد شود که در طرف مدت کمی همه شان جیب های خودشان را با غارت دسترنج زحمتگشان شوروی پر کنند و میلیون تر شوند. برای روشن شدن این موضوع آنرا کمی دقیقتر بررسی میکنیم.

بطور کلی در آمدان و اشراف گزینی شوروی بدو طریق بدست میآید: طریقه ی "قانونی" و طریقه ی غیرقانونی. از نظر قانونی این افراد دو نوع درآمد دارند یکی اصل حقوق و یکی هم "یاداش" حقوق این آدمها که تمام مقامهای حزبی و دولتی را اشغال میکنند بسیار زیاد است و در حدود ده یا نوزده برابر دستمزد کارگران است و بعضی مواقع خیلی هم بیشتر. مثلاً حقوق ما هیانهای یک مدیر کارخانه ۱۰۰۰۰ (اروبل (واحد پول شوروی) در ماه است و بعضی از متخصصین که تحصیلات بالادارند دو تا سه هزار روبل در ماه میگیرند در حالی که حداقل دستمزد یک کارگر فقط ۶۰۰ (اروبل) در ماه است و دستمزد متوسط کارگران در حدود ۸۰۰ (اروبل) اما این مدیران درآمد کلانی هم تحت عنوان "یاداش" بدست میآورند "یاداش" چیست؟ قبل از روی کار آمدن در او دستانه خروشجف - برژنف سود کارخانه ها و موسسات دیگر تنها می در اختیار دولت کارگری شوروی بود و دولت هم این سود را بر حسب احتیاجات جامعه بصرف توسعه صنایع و بهبود وضع زندگی مردم میرسانید ولی بعد از روی کار آمدن خروشجف وضع عوض شد. حال دولت پولی را که یک کارخانه یا موسسه یا یاداش خروشجف به دولت بپردازد زدا زبیش تعیین میکند و هر موسسه یا کارخانه که بیش از این حد سود داشت بقیه پول مال خودش است. از این پول بخشی صرف توسعه ی کار خود موسسه میشود و قسمت دیگری که آنرا "بودجه انگیزه مادی" نامند و بین ۴ تا ۶ درصد آنرا تشکیل میدهد در اختیار مدیر کارخانه یا موسسه قرار میگیرد. این پول بعنوان "یاداش" ماهیانه و تقسیم سالیانه بین مدیر موسسه، کارمندان، مهندسی و کارگران تقسیم میشود. اما بیشتر این پول عملاً بجیب مدیران و متخصصین پولدار میرود و تنها قسمت کوچکی از آن نصیب کارگران میشود چون که آنرا به نسبت اصل حقوق افراد تقسیم میکنند و کارگران که حقوق ناچیزی میگیرند "یاداش" زیادی هم دریافت نمیکند. مثلاً طبق آمار رسمی شوروی در سال ۱۳۴۴ در یک گروه از موسساتی که برای اولین بار مشمول "سیستم نوین" اقتصادی شده بودند ۴۶/۶ درصد از این پول بعنوان "یاداش" به مدیران و ۱۵/۵ درصد به کارگران داده شد. در سال ۱۳۴۵، ۵۰/۷ درصد از این پول (برای تمام موسساتی که در آن سال به "سیستم نوین" ملحق شده بودند) به مهندسی ها و تکنیسین ها و کارمندان دیگر داده شد و ۴۹/۳ درصد به کارگران. این در حالی بود که کارگران بیش از ۸۵ درصد کارکنان این موسسات را تشکیل میدادند. اگر به "یاداشهای" هفتگی و ماهیانه را بطور مجزا در نظر بگیریم مبلغ ۷/۲

بخواهید که متوجه کاری که می‌کنند باشد. رنجبر - دوست بسیار عزیز - محبت گرم و بی‌شائبه‌ات نسبت به کارما و رنجبر بسیار گزاردیم. ما در مورد ارسال آدم و اسلحه و زلف ابر قدرت شوروی به ایران بخاطر نفوذ و خلال در کشورمان در رنجبر شماره سوم، نوشته ایم و طی آن دعوت کرده ایم که...



آخرین نفس‌های ضد

آنکه بعزت توزیع هروئین در خوابگاه دبیرستان، توسط آنها دستگیر و به مقامات مسئول سپرده شده بود، کوشیدند تا با تیراندازی از بالای تپه‌های مشرف به دبیرستان ارتش باعث درگیری بین افراد مسلح کمیته و دانش‌آموزان دبیرستان شوند، که در نتیجه تیراندازی سه نفر از افراد پاسدار کمیته زخمی شدند. ولی قبل از گسترده تر شدن

حادثه در نتیجه هوشیاری مردم توطئه‌ی ضد انقلاب بجائی نرسید و با این ترتیب دومین تلاش نیروهای ضد انقلابی در جهت برهم زدن امنیت شهروا یجا دگشت و گشتار نقش بر آب شد.

ولی ضد انقلاب بیگانه رنشت و به توطئه‌چینی ادامه داد تا اینکه ساعات اولیه با مداد جمع شده ۵۸/۲/۲۸ با نقشه قبلی به ایجاد راه‌بندان در محوطه میدان انقلاب در بخش مرکزی شهر پرداخته به منظور بوجود آوردن رعب و وحشت در بین اهالی به تیراندازی هوایی پرداختند. این عناصر

ضد انقلابی که این بار به اشک و آریابان فتودال و سرمایه‌دار سلطنت طلب خود با نقشه‌ای دقیق‌تر دست بکار شده بودند، در ساعت ۶ صبح جمعه ۵۸/۲/۲۸ با کمک همدستانی که در بین افراد مسلح شهر بانی داشتند، بدون روبرو شدن با کوچکترین مقاومتی، شهر بانی را خلع سلاح نمودند.

عنا صرضا انقلابی به تیراندازی هوایی و جلوگیری از رفت و آمد

نگاهش را بمن می اندازد و در میان همین نگاهها میگوید: "توحش داری، گذشته را ندیدی". هق هق گریه مجال گفتن نمی دهدش، با همان بغض و چهره‌ای که در عرق پیشانی و اشکها پیش‌شنا می‌کند، ادامه میدهد: "کار ساده‌ای نبود آن گذشته را با خاک سپردن، آن گذشته متعززا و آرام می‌گیرد."

میتوانند نمایند راستین رنجبران باشد.

پیام آیت‌الله

حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای هاشمی رفسنجانی می‌رود: "حادثه‌سوی تصدیه جنین مردان آزاده‌ای که در حقیقت سوختی است به نام ملت ایران و حیات انقلاب اسلامی ایران است. نهب‌ها و انقلاب ضربه‌ای نخواهد زد بلکه آنرا شکوفا و رو کوینده تر خواهد ساخت. اینجانب با ابراز تاسف از اینکه بیست و هفت سال از انقلاب داریم که ملت عزیز ایران روحیه انقلابی و شهادت‌رومی خود را همچنان زنده و پندارنگاه خواهد داشت و از بروز این حسودات کوچکترین تزلزلی به خود راه نمیدهد. این رویدادها خود دلیل بیهوشی انقلاب و شکست دشمنان انقلاب است."

سلاحهای خود را تحویل دادند. عده‌ای دیگر از عناصر ضد انقلابی از تحویل اسلحه خودداری کرده و هنوز امنیت شهر را تهدید میکنند. روز

شنبه شهر بطور کامل در کنترل قوای اعزامی درآمد و آرامش خود را بازیافت، دادگاه انقلاب با افاصله وارد عمل شده و به دستگیری عاملان حادثه و فتودالها و سرمایه‌داران وابسته و عناصر ساواک اقدام نمود. در حال حاضر شهر آرام است اکثر عناصر ضد انقلابی دستگیر شده بزودی محاکمه خواهند شد.

"سازمان انقلابی" در روزهای آخر فروردین طی اعلامیه‌ای خواستار تصفیه کمیته و پاسداران شده بود و به مردم و مقامات مسئول نیز در زمینه توطئه‌های ضد انقلاب هشدار داده بود.

در تاریخ ۵۸/۲/۵ نیز طی اعلامیه‌ای با عنوان "مسجد سلیمان در لبه‌ی پرتگاه" به افشاگری در مورد توطئه فتودالها و سرمایه‌داران وابسته پرداخت و هشدار داده بود که ضد انقلاب میکوشد حوادثی نظیر حوادث سنندج را در مسجد سلیمان تکرار کند. در حادثه روز جمعه ۵۸/۲/۲۸

بیس ۸۵ درصد رکنان بین موسسات را تسخیر می‌دهد. پادشاهی" هفتگی و ماهیانه را بطور مجزا در نظر بگیریم مبلغ ۷۲/۷ میلیون روبل به مهندسها، تکنیسین ها و کارمندان دیگر تعلق گرفته بود و ۱۵/۷ میلیون روبل به کارگران - یعنی ۸۲ درصد پادشاهی ۱۵ درصد کارکنان این موسسات داده اند و ۱۸ درصد از پادشاهی را به ۸۵ درصد بقیه! با این طریق طبق آمار رسمی از بابت این پادشاهی به درآمد هر کارگر بمیزان ۵ درصد (حقوق ناچیز خودش) اضافه میشود و به درآمد یک مدیر کارخانه بمیزان ۳۵ درصد حقوق کلان خودش!

اما اینها تنها راههایی "قانونی" پول در آوردن ثروتمندان سرمایه‌دار شوروی بودند. درآمد اصلی این افراد از راههای غیر قانونی بدست می‌آید. مدیریک موسسه اقتصادی در شوروی دارای استقلال کامل است. او تمام پول موسسه را در اختیار دارد و از آنکه هر طور مصلحت دید آنرا مصرف کند. او میتواند سرمایه‌گذاری مستقل کند، تولید را توسعه بدهد، وسائل تولید را بخرد یا بفروشد، نقشه تولید را بدخواه تنظیم کند، کارگران را استخدام، جریمه یا اخراج کند. دستمزدها را تعیین نماید و بالاخره میتواند بیمه خودش و بدون توجه به احتیاجات جامعه هرچیزی را که سود بیشتری میدهد تولید نماید. با این طریق مدیریک کارخانه دارای موقعیت بی نظیری برای سوء استفاده است. مثلاً در سال ۱۳۵۴ مدیریک موسسه ساختمانی با تقلب در گزارشات مبلغ ۵۶۵۰۰۰ روبل را بعنوان "پاداش" بخود و دوستانش تخصیص داده بود. مدیریک کارخانه در تفلیس با یک حقه‌بازی مبلغ ۱/۱ میلیون روبل را بجیب زده بود و در یک مورد دیگر عضو کمیته مرکزی حزب رویزیونیستی شوروی نیم میلیون روبل اختلاس کرده بود. علاوه بر این چون خرید و فروش وسائل تولید هم آزاد است و هر مدیر موسسه بدنبال سود بیشتر است در سر تا سر کشور بازاری وسیعی ایجاد شده. وسائل تولید ما نندما شین آلات، جرثقیل، لوکوموتیوها، ژنراتورها و غیره که در زمان استالین متعلق به تمام جامعه بودند حالا آزادانه در بازار خرید و فروش میشوند. این محیط خوبی را برای سفته‌بازی و زور و بندهای تجارته فراهم میکند و کمک مینماید تا پولدارهای شوروی پولدارتر شوند. و بالاخره رقابت موسسات اقتصادی برای سود بیشتر باعث میشود که بعضی از آنها که موفق تر هستند رشد کنند و بعضی دیگر ورشکست بشوند. این موضوع باعث شده که انحصارهای بزرگ سرمایه‌داری در شوروی توسعه یابند. مثلاً تعداد کل موسسات صنعتی شوروی که در سال ۱۳۲۹ در حدود ۲۰ هزار تا بود، تا سال ۱۳۵۲ به ۴۸ هزار عدد تنزل کرده بود که نشان میدهد چطور سرمایه‌های بزرگ سرمایه‌های کوچک را می‌بلعند و تولید را منحصربه‌خود میکنند، توسعه انحصارات هم خودش باعث از دنیا دیش از پیش درآمد مدیران انحصارات بزرگ مزبور میشود.

خلاصه کنیم: با وضعی که در رودستهی برژنف - کاسیگین در شوروی ایجاد کرده‌اند (یعنی احیاء سرمایه‌داری و نابود کردن سوسیالیسم قبلی) نه تنها میلیونر شدن عده‌ای و فقر عده‌ای دیگر چیز عجیبی نیست بلکه غیر قابل اجتناب هم هست. یک نگاه سریع به آنچه که اکنون در شوروی میگذرد روشن میکند که اجتماع کنونی شوروی برخلاف سخنان ظاهر فریب‌دار رودستهی برژنف - کاسیگین نه تنها بطرف کمونیسم حرکت نکرده است بلکه روز بروز بیشتر در گنداب انحصارات امپریالیستی سرمایه‌داری فرو میرود.

هواداران سازمان انقلابی در محل حادثه به افشاگری در مورد توطئه دشمنان انقلاب و استقلال ایران پرداختند و اقدامات جنایت‌آمیز عنا صرضا انقلابی را محکوم نمودند. توطئه ضد انقلاب در مسجد سلیمان بواسطه هوشیاری مردم و عناصر انقلابی کمیته و پاسداران، با کمک دولت درهم شکست اما هشدار بی‌دولت بود به تمام خلق که ضد انقلاب وابسته به بیگانه فعال است و تنها با هوشیاری، وحدت و قاطعیت خلق و نیروهای سیاسی آن میتواند سرکوب شود.

شوروی :

کشوری امپریالیستی (۷)

ثروت اندوزی مستی قلیل

دارودسته‌ی برژنف - کاسیکین مدعی هستند که دارند کشور شوروی را از "سوسیالیسم" بسوی کمونیسم می‌برند. در یک جامعه سوسیالیستی هر کس با اندازه تواناییش کار میکند و با اندازه کارش مزد می‌گیرد. یعنی در یک کشور سوسیالیستی کسی که کار تولیدی انجام نمی‌دهد - مزدی نمی‌گیرد. کمونیسم یعنی چه؟ در یک کلام کمونیسم آن سیستمی است که در آن هر کس با اندازه تواناییش کار میکند و با اندازه احتیاجش مزد می‌گیرد. یعنی مثلاً اگر کسی قدرت جسمانی یا فکریش طوری باشد که نتواند زیاد کار کند ولی چندین سرعائله داشته باشد با وجود اینکه کار زیادی انجام نمی‌دهد، اجتماع با اندازه احتیاجات خود او و خانواده‌اش با او می‌دهد. عکس آن هم البته صادق است. در اجتماع کمونیستی آن کس که قدرت فوق العاده‌ای دارد و میتواند خیلی زیاد کار کند و به جامعه خدمت نماید آن درجه از رشد اجتماعی رسیده است که نخواهد بیش از آنچه که احتیاج دارد از اجتماع بگیرد و با اصطلاح بولداف شود. چرا؟ چون آدمی که همه‌ی احتیاجاتش برطرف شده و نه مسئله، مسکن دارد، نه مسئله خرج غذا "پوشاک" دوا و دکتر و نه هیچ احتیاج دیگر - پول را می‌خواهد چه بکند؟ پولی که در بانک تلمبار شده بچه درآدمی کسسه هم‌هی احتیاجاتش برطرف شده می‌خورد؟

بهمین دلیل هم هست که در اجتماع کمونیستی اصلاً پولی زبیین می‌رود و افراد آنچه که مورد احتیاجشان هست را از فروشگاهها مجانی می‌گیرند. حالاً ببینیم اجتماع شوروی که بنا به ادعای دارودسته برژنف و کاسیکین دارد کمونیستی میشود چه وضعی دارد.

آقای برژنف با آن همه ادعا که برای رهبری طبقه‌ی کارگر دارد صاحب ۱۴۴ توموبیل شخصی آخرین سیستم است. رهبران حزبی و دولتی شوروی هر کدام چنان ثروتی بهم زده اند که دست سرمایه‌دارهای کشورهای غربی را هم از پشت بسته‌اند. بسیاری از آنها ویلاهای مجلل و املاک وسیعی دارند که بعضی از آنها به اعیان و اشراف روسیه تزاری تعلق داشته‌اند. مثلاً در جمهوری آذربایجان شوروی رئیس یک مزرعه اشتراکی که تازه مقام خیلی بالایی هم ندارد یک ویلا لوکس برای خودش ساخته که ۱۶ اتاق دارد. بسیاری از این رهبران طبقه کارگر دارای نوکرو کلفت و راننده‌ی شخصی هستند! و خیلی از آنها حسابهای بانکی شان هفت رقمی است یعنی میلیون‌ها هستند بقیه در صفحه هفتم

پیام آیت الله منتظری به ملت ایران

حضرت آیت الله منتظری بدنبال توطئه شوم سوء قصد بجان حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، پیامی خطاب به ملت ایران فرستادند. بخش‌هایی از پیام ایشان به قرار زیر است:

"ملت بزرگ و قهرمان ایران برادران و خواهران رزمندگان روزهای سرنوشت‌ساز که بر کشور عزیز ما میگذرد از حساس‌ترین فرازهای انقلاب اسلامی ما است. پیروزی این انقلاب سرآغاز شکستی رسوا برای ابرقدرت‌های غارتگر شرق و غرب و نویدی بزرگ برای رها شدن ملت‌های مستضعف جهان سوم است. ناگفته پیداست چنین انقلابی که انفجاری بزرگ در منطقه به نفع مستضعفین را بدنبال خواهد داشت دشمنان فراوانی از شرق و غرب و حکومت‌های دست نشانده آنها دارند امپریالیسم و سوسیالیسم - امپریالیسم و صهیونیسم مولودنا مشروع این دو مملکتی را تشکیل میدهند که در برابر همه ملت‌های آزاد و مستضعف جهان قرار دارند و انقلاب اسلامی ایران در قدم اول ضربه سنگینی برای هر سه بود و در ادامه راه خود نیز خطری برای همه آنها خواهد بود. آنان نیز با احساس این خطر دست بکار توطئه و خیانت شده اند تا به خیال خام خود انقلاب عظیم ما را متوقف ساخته و یا منحرف گردانند و هنگامیکه با هوشیاری و همبستگی ملت بی‌خاسته ایران و رهبریهای قاطع و شکست‌ناپذیر رهبران انقلاب حضرت آیت الله العظمی امام خمینی مدظله رو برو میشوند راه ترور و ایجاد درع و وحشت را پیش می‌گیرند و از همین رهگذر است که فیلسوف عالیقدر شرق، اسلام‌شناس بزرگ حضرت آیت الله استناد مطهری به شهادت میرسد و سپس نوبت برادر عزیز ما همدانستوه و رادمرد مقامی چون دانشمند برجسته و اندیشمند و ارسته حضرت

بقیه در صفحه هفتم

آخرین نفس‌های ضد انقلاب در مسجد سلیمان

نیروهای اعزامی از دزفول نمودند، ۱- فتودالها و سرما به داران وابسته سلطنت طلب، هوا دارش پوربختیار. ۲- دزدان و اوباشان حرفه‌ای که با گروه اول همکاری نزدیکی داشته در استخدام و مورد حمایت مادی آنان هستند. ۳- افراد و عناصر صرید سابقه و مشکوکی که در بین افراد مسلح کمیته و پاسداران رخنه کرده بودند. این نیروها در چهارم اردیبهشت با نقشه قبلی به محل استقرار نیروهای اعزامی از دزفول حمله کرده بسوی آنها سنگ پرتاب کردند. و خواهان اخراج پاسداران اعزامی از دزفول و مسلح شدن خود بجای آنها بعنوان پاسداران "بومی" و برکناری فرماندار شهر شدند. خوشبختانه در نتیجه بردباری و هوشیاری انقلابی پاسداران و دخالت کمیته مسئله خاتمه یافت.

این عناصر ضد انقلابی در حادثه راه‌بندانی که دانش آموزان دبیرستان ارتش بعنوان اعتراض به آزاد کردن قاچاقچی موادمخدری بقیه در صفحه هفتم

مدتها بوده که عناصر ضد انقلابی مسلح در مسجد سلیمان که بطور عمده متشکل از دزدان قاچاقچیان و اوباشان حرفه‌ای بودند به آزار و اذیت مردم و سرقت در محلات مختلف و با زار می پرداختند. مقامات مسئول شهر و کمیته به علت درگیر بودن با مسائل داخلی خود نتوانسته بودند بسرکوب کامل فعالیت‌های ضد مردمی و ضد انقلابی این عناصر بپردازند.

این عناصر ضد انقلابی خیابانهای شهر را بخصوص در شب میدان تاخت و تا زوما نور خود قرار داده بودند. عدم قاطعیت کمیته به علت اختلافات داخلی و نفوذ عناصر صرید سابقه و مشکوک در بین افراد مسلح کمیته و پاسداران باعث به بن بست رسیدن اوضاع مسجد سلیمان شد. تا اینکه به درخواست عناصر انقلابی کمیته با همکاری مقامات استان خوزستان گروهی از پاسداران دزفول به مسجد سلیمان اعزام شدند.

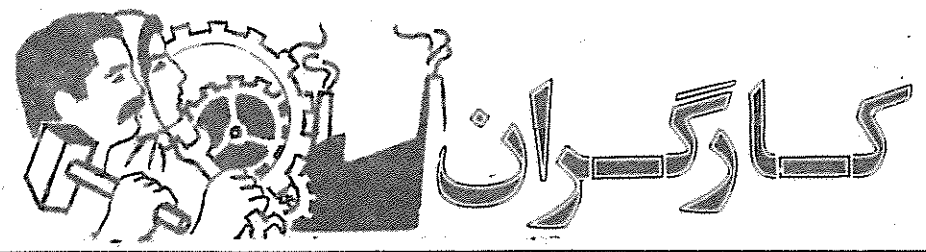
ورود این پاسداران، نیروهای ضد انقلابی را به جنب و جوش انداخت بطور کلی سه نیرو دست به دست هم داده شروع به مخالفت با حضور

پيرو زباد جنگ خلق افغانستان :



مبارزات خلقهای قهرمان افغانستان آنچنان وسیع و پراکنده است که درج کامل اخبار آن برایمان امکان پذیر نیست. جنایات رژیم وابسته به روس - محمدتره کی آنچنان شنیع و بی شمارند که در بسیاری از موارد قلم از نوشتن آن عاجز میماند. ولی آنچه مسلم است و تاریخ حکم میکند، وضع خلقهای افغانستان هر روز بهتر و وضع رژیم وطن فروش تره کی و اربابان روسی بدتر میشود و تا پیروزی کامل مردم زحمتکش و

بقیه در صفحه چهارم یکی از یار تیزانهای مسلح توده‌های در نورستان



کارگران

بصورت وضع زحمتکشان

بهبود وضع زحمتکشان

ضامن ادامه پیروزمند انقلاب

حقوق بیکاری پرداخت شده و لسی بقیه کارگران هنوز پاسخی دریافت نکرده اند.

(۲) بیش از ۳ هفته از تحصن کارگران شرکت آرمه و آرمه تساو و شرکت های وابسته میگذرد؛ ۴۰ نفر کارگران شرکت که در محل شرکت بست نشسته اند، خواهان بازگشت مجدد بکار و پرداخت حقوق و مزایای دوران انقلاب، بکار افتادگان کارگاه های ناتمام، استفاده از ماشین آلات ماژاد برای کمک به انجام پروژه های دولتی، تسویه حساب عادلانه با کارکنان ماژاد و تصفیه عناصر با ب هستند. شب بقیه در صفحه ششم

جامعه کارگری ایران، در حال حاضر، با مسائل و مشکلات متعددی روبرو است که به علت برخورد ناصحیح به آنها، هر روز ابعاد تازه ای بخود میگیرد و بر دامنه و حجم آن افزوده میشود. موارد زیر، نمونه های کوچکی از مسائل و مشکلات موجود و نحوه های برخورد به آنهاست.

(۱) کارگران شرکت مهک که در پروژه ساختمانی پایگاه هوایی چابهار کار میکرده اند و از ۵ ماه پیش توسط کارفرما اخراج شده اند خواستار پرداخت حقوق مدت بیکاری با ضافه مزایای کار و حق ۳۵٪ شدند. تا کنون به ۶۰۰ تن از این کارگران ۳ ماه

شکایت نامه کارگران کشت و صنعت «ایران شلکات»

از آنان مسائل را با کارفرما در میان گذاشته و هیچگاه از مشکلات و مسائل کارگران جویا نشده و در کلیه موارد کارگران را به کارفرما رجوع میدهد. در ضمن رابط بین شرکت و کارگران و کمیته اما مورد اطمینان کارگران این شرکت نمیباشد و کارگران خواهان عزل وی و برگرداندن شخصی عادل، صالح بقیه در صفحه ششم

کارگران شرکت کشت و صنعت "ایران شلکات" دزفول در دو شکایت نامه ای خود که به امضای بیش از ۱۰ نفر از کارگران این شرکت رسیده است به عدم رسیدگی به خواسته های شان و اخراج نماینده ای خود اعتراض کرده اند. به گفته کارگران، کمیته انقلاب که پس از انقلاب در این کارخانه مستقر شده بجای حل مشکلات کارگران و جانبداری

مبارزه کارگران ماشین سازی پارس

کارخانه ماشین سازی پارس یکی از کارخانجات وابسته به "سازمان گسترش و توسعه صنایع" است. در دوران انقلاب و اعتصابات یک پارچه ای کارگری علیه رژیم شاه شاه، کارگران این کارخانه نیز چندین بار دست به اعتصاب زدند که در دو مورد بوسیله "نمایندگان" سندیکای فرمایشی فریب خورده و دست از اعتصاب کشیدند.

پس از انقلاب، عوامل کارفرما و سندیکای فرمایشی به شکل های دیگری علم کردن مسائل مختلفی سعی در کارشکنی نمودند. مثلاً: طبق گفته کارگران، این عوامل همانند دوران طاغوت، در لیست وجد اول سود ویژه و حقوق کارگران دست برده اند و افرادی از مدیریت نیز در این امر سهیم بوده اند. در حال حاضر کارگران موفق شده اند که شورای بختی را برپا کنند که رها بوجود آورند و کوشش میکنند تا حقوق خود را نیز از طریق این شورای دست آورند. ولی بگفته بقیه در صفحه ششم

گفتگویی با

اتحادیه روزنامه فروشان خوزستان

هفته گذشته در دفتر رنجبر گفتگویی داشتیم با آقای نمازی رئیس اتحادیه روزنامه فروشان خوزستان و آقای کیا نیورسنگری این اتحادیه. آنها به شرح وضع زندگی روزنامه فروشان آستان خوزستان و خواسته های اساسی اتحادیه روزنامه فروشان خوزستان پرداختند که در اینجا مختصراً شرح

آن میپردازیم:

وضع زندگی روزنامه فروشان خوزستان بسیار بد است. تعداد زیادی از این رهنماگان شبها بروی همان میز روزنامه فروشی خواب میخورند و در همان دگه ای خود میخورند و زندگی میکنند و کار میکنند. معروفست که "روز بقیه در صفحه ششم"

گفتگویی داشتیم با آقای نمازی رئیس اتحادیه روزنامه فروشان خوزستان و آقای کیا نیورسنگری این اتحادیه. آنها به شرح وضع زندگی روزنامه فروشان آستان خوزستان و خواسته های اساسی اتحادیه روزنامه فروشان خوزستان پرداختند که در اینجا مختصراً شرح

تراکتورسازی تبریز: تجربه موفق شورای مشترک

کارکنان تراکتورسازی تبریز با تشکیل جبهه ای متحدی که در نوع خود بی نظیر است، موفق شده اند پیروزی بزرگی در بکار انداختن چرخهای کارخانه بدست آورند. بعد از پیروزی انقلاب، در تراکتورسازی تبریز نیز مانند بسیاری موسسات صنعتی دیگر وضع آشفته ای وجود داشت. از یک طرف بعزت تراکم خواسته های بیجا و بیجا کارگران و کارمندان شرکت که در نتیجه تسلط طولانی رژیم شاه شاهن رخا نه بر آورده نشده بود، سطح توقعات همه ای کارکنان کارخانه بسیار بالا بود. از طرف دیگر روسای کارخانه که هنوز کمی بیش باقی مانده بودند تلاش می کردند تا وضع سابق را مجدداً برقرار نمایند. و بالاخره سازمان های سیاسی متعددی در میان کارکنان کارخانه مشغول فعالیت بوده و هر کدام سعی داشتند برنامه ای خاصی را برای حل مسائل کارخانه بمرحله اجرا در آورند.

بقیه در صفحه ششم

نامه يك کارگر کوره پز خانه

از یکی از کارگران مبارز کوره پزخانه واقع در محمودآباد نامه ای داشتیم که قسمتهاي آن را در زیر میخوانید:

"بسم الله الرحمن الرحيم"

درود بر شهدای راه حق و آزادی... از طرف همه کارگران کارخانه های آجر سازی... شاید شنیده باشید که همه کارگران کارخانه های آجر سازی خاتون آباد در تاریخ ۱۵۸/۲/۱ اعتصاب کرده بودند و بعد از سه روز آن اعتصاب به منطقه ای محمودآباد سراپا شد. ما کارگران زحمتکش منطقه ای محمودآباد با دیک جمع شده و سخنانی ایراد کردیم (و خواستار شدیم) که کارگران به سرکارهای خود بر گردند ولی خواسته های ایشان را بخواهند... کارگران از آن محل دور نشدند و به سرکارهای خود برنگشتند... میخواستند در آن محل تظاهراتی به پشتیبانی از جمهوری اسلامی و (بخاطر) از بین رفتن حقشان برپا کنند... (بعضی از) کارگران گفتند که میخواهیم بقیه در صفحه ششم

به خواسته های کارگران شرکت تهران - کمیکال رسیدگی کنید

در روز سه شنبه اول خرداد کارگران و کارمندان شرکت تهران - کمیکال در مقابل ساختمان امورا دارای شرکت اجتماع کرده و خواستار دریافت حقوق یک ماهه خود که عقب افتاده بودند، ولی اولیا شرکت با آنها گفتند که شرکت پول ندارد. حقوق آنان را بپردازد. در این وقت یکی از نمایندگان کارگران رشته سخن را بدست گرفت و اعلام کرد که علت گرفتاریهای شرکت بی لیاقتی مدیرعامل آن است و سؤال کرد که این مدیرعامل که بیش از مدت سال را در کارخانه کوشش میبرد چگونه میتواند

وضع شرکت خبر داده شده با شوک آری برای آن بکند و پیشنها کرد که مدیرعامل شرکت اخراج شود، و همچنین خواستار این شد که حقوق عقب افتاده کارگران هر چه زودتر پرداخت گردد. بعضی دیگر از کارگران در طی صحبت های شان اعلام کردند که اگر واقعاً شرکت بودجه کافی برای پرداخت مزد کارگران را ندارد آنها میتوانند مدتی صبر کنند و فقط خواستار این هستند که بیان کارگران که با داشتن خانواده هیچ بولی ندارند و گرسنه مانده اند شرکت بولی بدهد بقیه در صفحه ششم

تحصن کارگران جنگل داری گرگان

پیرو خبر قبلی در رنجبر (شماره ۱۰) پیرامون خواسته های کارگران جنگل داری گرگان، اطلاع یافتیم که این کارگران شریف و زحمتکش، پس از اینکه به خواسته های بحقشان توجه نشد، از روز ۱۳ رديبهشت در ساختمان شرکت دست به تحصن زدند و مادری بجا بخش هایی از قطعنامه شروع تحصن آنان را منتشر می کنیم:

بسمه تعالی

قطعنامه

ما کارگران کشاورزی جنگل و مرتع گرگان بعد از شنیدن وعده بقیه در صفحه ششم